

سال پانزدهم  
شماره ۳۶۲۲  
دوشنبه  
۲۴ جوزای ۱۴۰۰  
۱۴ جون ۲۰۲۱  
قیمت: ۲۰ افغانی

# صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

آن گونه که یاری می کنی  
یاری می شوی

بنیاد رحمانی  
رحمانی بنسپ

**غضنفر بانک**  
GHAZANFAR BANK

محصولات بانکداری اسلامی

- حساب جاری الودیعہ
- حساب مضاربت پس انداز
- حساب مضاربت میعادى

تمويل مالی اسلامی

- بيع مراهجه
- مشار که متناقصه
- ضمانت نامه ها و اعتبار نامه های اسلامی

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید  
+93 (0) 202 101 111 | www.ghazanfarbank.com

ربانی در گفتگو با ۸ صبح:

## شیوه کار غنی باید تغییر کند، افغانستان با دید قومی اداره نمی شود

وزارت کار زیر ذره بین آرگ؛  
رییس جمهور از وزیر جناح سپیدار ناراضی است؟

در برابر حملات مرگبار، صدای مشترک نفرین را بلندتر کنیم

اولین بار روش سازمان یافته و هدفمند این جنایات را در سال ۱۳۸۷ که در کمیسیون مستقل حقوق بشر بودم، زمانی متوجه شدم که روی مستندسازی تلفات ملکی در جنگها کار می کردیم. نتیجه آن، گزارشی بود زیر عنوان «از امید به سوی ترس» و یک گزارش دیگر، زیر عنوان «تختی های مخالفین مسلح حکومت علیه مردم ملکی در افغانستان».

مجلس سنا: نهادهای امنیتی باید در استراتژی جنگی خود تغییر بیاروند

۸ صبح، کابل: مجلس سنا کشور از نهادهای امنیتی خواسته است که در استراتژی جنگی خود تغییر بیاروند. سناتوران روز یکشنبه، بیست و سوم جوزا، در نشست عمومی مجلس سنا پس از بررسی وضعیت کشور تأکید کردند که نهادهای امنیتی باید در برنامه و رویکرد جنگی خود، مطابق شرایط جنگی کشور تغییر وارد کنند. طبق اعلام دفتر مطبوعاتی مجلس سنا، سناتوران گفته اند که وضعیت امنیتی در ولایت های فراه، غور، هلمند و ولایات شمالی

نگران کننده است و برای مهار وضعیت کنونی باید رویکرد جنگی نهادهای امنیتی تغییر کند. مجلس سنا افزوده است که کادرهای نظامی و مسلکی باید بدون دخالت های سیاسی و برخورد های سلیقه ای در پست های نظامی گماشته شوند. دفتر مطبوعاتی مجلس سنا به نقل از سناتوران نوشته است: «جنايت طالبان حدمرز ندارد و این گروه منافع بزرگ کشور را در یک سناریوی تعیین شده مورد حملات سنگین قرار می دهند.»

فضل هادی مسلمیار با اشاره به تشدید جنگ در کشور گفته است که تجدید نظر در پالیسی های جنگی نیروهای امنیتی در شرایط کنونی موجه است. سناتوران خاطرنشان کرده اند که شهروندان دیگر تآب این همه ظلم، بیداد و قتل عام را ندارند و برای نجات کشور از چنین شرایط جنگی نیاز به راهکار سنجیده شده ملی و ایستاده گی سراسری مردم در برابر جنگ جویان داخلی و خارجی است. از جانب دیگر، فضل هادی مسلمیار گفته

**تعمیر فروشی**

یک تعمیر تجارتي به مساحت {۳۱۶،۲۵ مترمربع} واقع مارکیت میوه {ناحیه ۴، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده می شود. ضرورت مندان و اشخاصی که خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802

پرواز های کابل استانبول و برعکس آن  
هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت  
**190 USD**

flyariana.com | Ariana Afghan Airlines | flyariana.official | +93 (0) 790 07 1333 | 1333

آریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES





## دولت باید در مورد حمله بر هزاره‌ها ابهام‌زدایی کند

فصل نو کشتار هدفمند هزاره‌ها در سال ۹۴ از زابل آغاز شد. در آن زمان، جنگ‌جویان داعش دست‌کم در سه ولسوالی زابل فعالیت داشتند. زمینه فعالیت این جنگ‌جویان در زابل توسط شاخه انشعایی گروه طالبان به رهبری ملا محمد رسول فراهم شده بود. در همان زمان، جنگ شدید بین نیروهای ملا محمد رسول و ملا اختر محمد منصور در زابل نیز در جریان بود. جنگ آن‌ها بر سر رهبری گروه طالبان بود که این گروه پس از افشای مرگ ملا محمد عمر دچار بحران رهبری شده بود.

مسوول گروگان‌گیری معروف شش سال پیش در زابل، جنگ‌جویان داعشی بودند که در همکاری با جنگ‌جویان ملا منصور دادالله در این ولایت به سر می‌بردند. ملا منصور دادالله از فرماندهان بی‌رحم گروه طالبان بود که در زمان فعالیت خود در زابل به عنوان معاون شاخه انشعایی گروه طالبان کار می‌کرد. در آن زمان، ملا عبدالمنان نیازی زیر نام سخنگوی «مارت اسلامی» و عضو ارشد شورای رهبری گروه طالبان فعالیت می‌کرد. بعد از کشته شدن ملا منصور دادالله، این ملا عبدالمنان نیازی بود که جانشین او شد.

ملا عبدالمنان نیازی که چندی پیش در هرات کشته شد، در آن زمان ادعا کرده بود که هزاره‌های ولسوالی جاغوری در جنگ علیه آن‌ها در ولسوالی خاک افغان و دای‌چوپان مشارکت دارند و به جنگ‌جویان ملا اختر محمد منصور کمک‌رسانی کرده‌اند. او هم‌زمان مدعی شده بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نیز دو نفر را به عنوان مشاور در جنگ زابل به کمک جنگ‌جویان ملا اختر محمد منصور فرستاده است. بعدتر که ملا منصور دادالله کشته شد و جنگ‌جویان داعشی نیز در زابل سرکوب شدند، مرکزیت فعالیت شاخه انشعایی گروه طالبان به حوزه غرب کشور، به ویژه در هرات انتقال یافت. به دنبال این تغییر مکان بود که مساجد هزاره‌ها - شیعه‌ها در هرات هدف حملات تروریستی پی‌پی‌هم واقع شد که معروف‌ترین آن مسجد جوادیه بود.

از سال ۱۳۹۴ تاکنون ده‌ها حمله هدفمند علیه جمعیت هزاره‌ها و شیعه‌ها در ولایات مختلف از جمله کابل، هرات، غور و لوگر انجام شده است. مسوولیت بیش‌تر این حملات را گروه داعش برعهده گرفته است. گروهی که از زمان شروع مذاکرات سیاسی بین امریکا و طالبان، گفته شده که در افغانستان نابود شده است یا دست‌کم مرکزیت مشخص ندارد و فعالیت آن در برابر دولت و یا گروه طالبان ملموس نبوده است.

بعضی از حملاتی که طی دو سال اخیر علیه هزاره‌ها و شیعه‌ها انجام شده، مسوولیت آن را هیچ گروهی برعهده نگرفته است. این امر باعث شده است که مردم از دولت بپرسند که عامل این حملات کیست و چرا فقط روی هزاره‌ها و شیعه‌ها تمرکز کرده است؟ پرسش دیگر آن است که آیا گروه داعش در افغانستان فعال است؟ اگر فعال نیست، چگونه مسوولیت بعضی از حملات بر هزاره‌ها و شیعه‌ها را برعهده می‌گیرد؟ اگر فعال است، چرا دولت از نابودی آن به مردم خبر داده است؟

گروه طالبان از پذیرش مسوولیت حملات هدفمند بر افراد ملکی، به ویژه هزاره‌ها و شیعه‌ها، تاهنوز انکار کرده است. دولت اما بارها این گروه را به انجام این حملات متهم کرده است. با این وصف، دولت تاهنوز مستندات لازم را ارایه نکرده است که نشان بدهد پشت حمله بر هزاره‌ها و شیعه‌ها، هیچ گروهی غیر از طالبان نیست. این استدلال دولت که می‌گوید، اگر گروه طالبان این حملات را انجام نمی‌دهد، زمینه‌ساز این حملات بوده، بسیار ضعیف است و محکمه‌پسند نیست. هدف این حملات چیست؟ آیا هزاره‌ها در معرض «نسل‌کشی» قرار دارند؟ آیا کشتارهای انجام‌شده، «نسل‌کشی» است؟ دولت چه تدابیری در برابر این حملات روی دست گرفته است؟ در جریان شش سال گذشته چه کاری کرده است؟ چرا به جز از محکومیت، کاری نمی‌کند؟ این‌ها پرسش‌های هر شهروند آگاه افغانستان است. دولت باید به این پرسش‌ها پاسخ بدهد. سکوت، راه‌حل نیست.

دولت اگر در برخورد با جنایات انجام‌شده در برابر هزاره‌ها و شیعه‌ها با شفافیت رفتار و به پرسش‌های مردم پاسخ قانع‌کننده ارایه نکند، در نزد افکار عمومی، مظنون واقع خواهد شد. همین حالا هم شک و تردیدهای بسیاری در افکار جامعه قربانی شکل گرفته و تصور غالب آن است که دولت به فکر زنده‌گی آن‌ها نیست و نمی‌خواهد از کشتار آن‌ها پیش‌گیری کند. بسیاری از مردم در جامعه قربانی تصور می‌کنند که دولت با اتخاذ نقش تماشاچی تنها به دنبال بهره‌برداری سیاسی از این جنایات است و قصد دارد از آن در سطح جهانی به عنوان حربه در برابر گروه طالبان استفاده کند. مسوول شکل‌گیری چنین ظن و گمان خود دولت است که نتوانسته است از جنایات سیستماتیک انجام‌شده علیه هزاره‌ها و شیعه‌ها ابهام‌زدایی کند. دولت اگر بقای خود را وابسته به حمایت مردم می‌داند، اجازه ندهد که در نگاه مردم مظنون باشد. دولت وقتی نمی‌تواند مسوولیت‌هایش را درست انجام دهد، طبیعی است که قضاوت مردم در برابر آن منفی خواهد بود. شفاف‌سازی این جنایات و شناسایی عاملان آن و همین‌طور انجام اقدامات مقتضی برای پیش‌گیری از تکرار این جنایات، تنها راه تغییر قضاوت‌های منفی مردم در برابر دولت است. متولیان امور باید درک کنند که نگاه منفی و توأم با شک و تردید مردم نسبت به دولت، خطرناک است. این نگاه می‌تواند در درازمدت برای دولت آسیب‌زا تمام شود و شکاف بین جامعه قربانی و دولت را افزایش دهد.

## افغانستان به ۴۸ میلیون دوز واکسین کرونا نیاز دارد



۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرده است که روند انتقال ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا که از سوی چین اهدا شده است، به سراسر کشور آغاز شده و تا روز دوشنبه، بیست‌وچهارم جوزا، به تمام ولایات انتقال داده خواهد شد.

سرپرست وزارت صحت عامه می‌گوید که افغانستان به ۴۸ میلیون دوز واکسین کرونا نیاز دارد.

وحید مجروح، سرپرست وزارت صحت عامه، روز یک‌شنبه، بیست‌وسوم جوزا، در یک نشست خبری گفت که ۳۵۰ هزار تن در ۳۴ ولایت افغانستان، واکسین وارد شده از چین را دریافت خواهند کرد.

به گفته مجروح، با درنظرداشت ضایعات واکسین، ۳۲۰ تا ۳۳۰ هزار نفر از ۳۵۰ هزار نفر در سراسر کشور زیر پوشش تطبیق واکسین کرونا قرار می‌گیرند.

واکسین وارد شده از چین به کسانی تطبیق خواهد شد که تا حال هیچ واکسین دریافت نکرده‌اند.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، این دور واکسین در مرحله نخست به صورت هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده به کارمندان صحتی، نیروهای امنیتی، معلمان، مهاجران در کمپ‌ها و دیگر ادارات دولتی که بیش‌تر با مردم در ارتباط هستند، تطبیق خواهد شد.

این وزارت افزوده است که افراد بالاتر از ۵۵ سال و بیماران مزمن نیز در این تقسیم‌بندی‌ها اولویت خواهند داشت.

مجروح تصریح کرده است که در حال حاضر افغانستان به ۴۸ میلیون دوز واکسین ضرورت دارد و دولت توانایی خرید ۴۲ میلیون دوز را دارد و به محض این که منبع معتبر واکسین پیدا شود، واکسین کرونا خریداری خواهد کرد.

به گفته مجروح، COVAX از ۱۶ میلیون دوز

## کمسیون حقوق بشر: طالبان به محاصره اقتصادی ولسوالی‌ها پیش از وقوع فاجعه انسانی پایان دهند

۸صبح، کابل: کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرده است که شماری از ولسوالی‌ها در کشور در محاصره اقتصادی گروه طالبان قرار دارد. در اعلامیه کمسیون مستقل حقوق بشر

که روز یک‌شنبه، بیست‌وسوم جوزا، نشر شد، آمده است که با محاصره اقتصادی و بسته شدن راه‌های مواصلاتی ولسوالی‌ها توسط گروه طالبان مردم نمی‌توانند به مواد غذایی و خدمات اساسی دسترسی داشته باشند.

کمسیون مستقل حقوق بشر هشدار می‌دهد که این وضعیت نگران‌کننده است و باید پیش از این که بحران و فاجعه انسانی جدی و فراگیر به وجود

## وزارت داخله: دستور بازداشت کسانی که برای تسلیمی

### پاسگاه‌ها به طالبان میانجی‌گری می‌کنند، صادر شده است

۸صبح، کابل: وزارت امور داخله می‌گوید که در روزهای اخیر شماری تحت نام «متنفذان محلی» در برخی از ولایت‌ها برای تسلیمی پاسگاه‌های امنیتی به طالبان میانجی‌گری می‌کنند.

طارق آرین، سخنگوی وزارت امور داخله، روز یک‌شنبه، بیست‌وسوم جوزا، در یک رشته توییتی نوشته است که این کار «خلاف اصول و قواعد نظامی» است و دستور بازداشت چنین افرادی صادر شده است.

سخنگوی وزارت امور داخله افزوده است که تاهنوز چندین نفر در پیوند به این قضایا بازداشت شده‌اند. او در ادامه نوشته است: «هرکس که دست به

انجام چنین کاری بزند، به نیروهای امنیتی و دفاعی کشور دستور بازداشت شان از قبل صادر شده است.»

طارق آرین می‌گوید که نیروهای امنیتی در دفاع از مردم در برابر دشمنان کشور ایستاده‌اند و از حمایت مردم قدردان هستند.

در جریان دو ماه گذشته بیش از ۲۰ ولسوالی و قرارگاه نیروهای امنیتی به دست طالبان افتاده است.

در مواردی گزارش شده است که این قرارگاه‌ها و ولسوالی‌ها با وساطت برخی باشندگان محل در هیأت «میانجی» به طالبان واگذار شده‌اند.

## خلیلی:

### حملات علیه هزاره‌ها

### به هدف «هویت‌زدایی»

### اجرامی شود و مصداق

### «نسل‌کشی» است

۸صبح، کابل: محمدکریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان، نسبت به پیامدهای ادامه حملات هدف‌مند در غرب کابل و «کشتار سیستماتیک هزاره‌ها» هشدار داد و گفت که عاملان این «فجایع» مردم صلح دوست و صلح‌خواه هزاره را مجبور به دفاع از خود نکنند. به گفته او، در صورتی که مردم مجبور به دفاع شوند، می‌توانند از راه‌های دیگری از خود دفاع کنند.

خلیلی، روز یک‌شنبه، بیست‌وسوم جوزا، در یک نشست خبری گفت که در جریان روزهای اخیر مردم هزاره به شکل بسیار «فجیع» به نام «قوم و تبار» هدف‌مندانده کشته یا هم توسط انفجار و انتحار «هویت‌زدایی» می‌شوند. او افزود که براساس تعبیر حقوق‌دانان و مباحث علمی، هرنوع هویت‌زدایی مصداق بارزی نسل‌کشی است.

رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان تصریح کرد که مردم هزاره در طول بیست سال گذشته به اشکال مختلف کشته شده‌اند. به گفته او، وقتی که

این مردم در برابر این نوع حرکت می‌ایستند و صدای عدالت‌خواهی فریاد می‌کنند، به معنای قرار گرفتن در مقابل سایر گروه‌های قومی نیست. خلیلی افزود که این فریادها به عاملان «جنایت و نسل‌کشی» برمی‌گردد.

محمدکریم خلیلی هم‌چنان خاطر نشان کرد که در جریان سال‌های گذشته همه مردم افغانستان قربانی خشونت و جنگ بوده‌اند و همه مردم در این قربانی‌ها شریک‌اند. او اما افزود برخی قضایایی رخ می‌دهد که هیچ توجیه برای آن وجود ندارد و هدفشان نابودی یک قوم است. خلیلی توضیح داد که در این میعاد زمانی مردم هزاره در مسیر راه‌ها، مساجد، مکاتب، مراکز آموزشی، سالن‌های عروسی و کلب ورزشی هدف قرار گرفته‌اند و به خاک و خون کشیده شده‌اند. او پرسید که این عمل چه تفسیر جز مصداق نسل‌کشی دارد؟

رهبر حزب وحدت خاطر نشان کرد که دیگر حوصله مردم هزاره به سر رسیده و فریادشان را بلند کرده‌اند. او کشته شدن مردم هزاره را به نام قوم و مذهب درنداک توصیف کرد و از همه مردم کشور خواست که با این قوم همنوا شوند.

او گفت: «ازحقوق دانان برادران پشتون، اوزبیک، تاجیک و سایر اقوام تقاضا می‌کنیم که از این دادخواهی مردم هزاره حمایت کنند. جنایت‌کاران تلاش می‌کنند که با هر وسیله هویت این قوم (هزاره) را از بین ببرند.»

خلیلی هم‌چنین از کمسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای جامعه بین‌المللی خواست که رویدادهای اخیر بر جامعه هزاره و شیعه را بررسی کنند.

از جانب دیگر، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان از حکومت به علت تأمین نکردن امنیت هزاره‌ها انتقاد کرد. او گفت که رهبران حکومت مسوولیت دارند مطابق قانون از جان، مال و ناموس مردم حفاظت و امنیت‌شان را تأمین کنند. خلیلی افزود که حکومت نمی‌تواند با متهم کردن باند‌های جنایت‌کار، خود را سبک دوش کند.

محمدکریم خلیلی می‌گوید که حکومت با دستگاه‌های استخباراتی و کشفی که دارد باید مشخص می‌کرد که در پشت چنین قضایا چه کسی دست دارد. به گفته او، حالا که چنین نکرده باید بعد از این امنیت شهروندان به ویژه جامعه هزاره را تأمین کند. خلیلی بیان کرد که چیزی اضافه از حکومت نمی‌خواهد و باید مطابق قانون به وظیفه‌اش عمل کند.

خلیلی افزود که حکومت نباید منتظر طرح تأمین امنیت از جانب مردم باشد. به باور او، حکومت و نهادهای امنیتی مسوول اند که امنیت شهروندان کشور را تأمین و در برابر حملات هدف‌مند از آن‌ها حفاظت کنند. او تأکید کرد که «هیچ قوم نباید مورد هویت‌زدایی قرار گیرد».

از سویی دیگر، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان تصریح کرد که اگر هدف عاملان کشتار هزاره‌ها نابود کردن این قوم باشد، محال است و به این هدف نمی‌رسند. به گفته او، صد سال پیش نیز ۶۳ درصد نفوس هزاره‌ها قتل عام شدند، اما تاکنون نابود نشده و حضور قوی در کشور و سراسر جهان دارند. خلیلی تأکید کرد که هیچ کسی نمی‌تواند هویت مردم هزاره را نابود و حذف فیزیکی کند.



# شیوه کار غنی باید تغییر کند، افغانستان با دید قومی اداره نمی‌شود



حبیب حمیدزاده

**یادداشت: گفت‌وگوهای صلح افغانستان دچار بن‌بست و دامنه جنگ در این کشور رو به گسترش است. هم‌زمان جامعه سیاسی افغانستان نیز دچار اختلاف و چنددسته‌گی است و مسیر آینده این کشور ناروشن است. در چنین شرایطی، حبیب حمیدزاده، گفت‌وگویی را با صلاح‌الدین ربانی، رییس حزب جمعیت اسلامی، انجام داده و از او درباره وضعیت حکومت‌داری، جنگ و صلح و آینده کشور پرسیده است. از شما دعوت می‌کنیم این گفت‌وگو را بخوانید.**



**د**ر ابتدا من با آقای غنی شناخت قبلی نداشتم. شناخت ما در حکومت وحدت ملی آغاز شد. در جلسات اول کابینه که می‌رفتم، حرکات، عمل‌کرد و فضای حاکم در جلسه برایم تکان‌دهنده بود. این‌گونه احساس می‌کردم که آقای غنی تا حال در ذهنش هم‌چنان در صنف درسی دانشگاه است و دیگران همه‌گی محصلان هستند که باید هرچه استاد می‌گوید، آن‌ها خاموش باشند و گپ استاد را گوش بگیرند. این متأسفانه کار درستی نبود، باید به اعضای کابینه احترام می‌شد و باید کرامت انسانی مراعات می‌شد. گرچه در چندین مورد با هم، هم‌نظر نبودیم؛ اما هیچ‌گاه مستقیم با من در کابینه چنین برخوردی نشد. البته در چند موردی که آقای غنی سوالاتی داشت، پاسخ‌شان در همان جا داده شد و قناعت هم فراهم شد.

**حمیدزاده:** آیا گاهی پیش آمد که در نشست‌های کابینه یا در جریان سفرهای بیرون از کشور شاهد برخورد‌های غیرمعمول و نادرست رییس جمهور با یکی از اعضای کابینه باشید؟

**ربانی:** در ابتدا من با آقای غنی شناخت قبلی نداشتم. شناخت ما در حکومت وحدت ملی آغاز شد. در جلسات اول کابینه که می‌رفتم، حرکات، عمل‌کرد و فضای حاکم در جلسه برایم تکان‌دهنده بود. این‌گونه احساس می‌کردم که آقای غنی تا حال در ذهنش هم‌چنان در صنف درسی دانشگاه است و دیگران همه‌گی محصلان هستند که باید هرچه استاد می‌گوید، آن‌ها خاموش باشند و گپ استاد را گوش بگیرند. این متأسفانه کار درستی نبود، باید به اعضای کابینه احترام می‌شد و باید کرامت انسانی مراعات می‌شد. گرچه در چندین مورد با هم، هم‌نظر نبودیم؛ اما هیچ‌گاه مستقیم با من در کابینه چنین برخوردی نشد. البته در چند موردی که آقای غنی سوالاتی داشت، پاسخ‌شان در همان جا داده شد و قناعت هم فراهم شد.

**حمیدزاده:** شما پس از برگزاری انتخابات اخیر ریاست جمهوری با آقای عبدالله مقلطه سیاسی کردید و از تیم انتخاباتی او بیرون شدید؛ در حالی که تفاوت نتیجه انتخابات اخیر با ۲۰۱۴ و فرصتی که برای تیم انتخاباتی شما و تیم حزب جمعیت پیش آمده بود، هر دو از یک لحاظ، یکی بود. چرا در اول، در ۲۰۱۴ مقلطه نکردید؛ اصلاً چرا در ۲۰۱۴ در برابر تقلب و آقای غنی ایستاد نشدید؟

**ربانی:** در ۲۰۱۴ ایستاده‌گی بسیار خوبی صورت گرفت. نتیجه همان ایستاده‌گی بود که هم دنیا و هم تیم مقابل قبول کرد که بیاید و بالای حکومت وحدت ملی به توافق برسیم. در نتیجه همین توافق‌نامه سیاسی، پست ریاست اجراییه ایجاد شد که این را ما با قانون اساسی که در ۲۰۰۴ تصویب شده بود، یک قدم مثبت به طرف هدف جمعیت اسلامی افغانستان که همانا ایجاد نظام پارلمانی - صدارتی و غیرمتمرکزسازی نظام بود، نزدیک‌تر می‌دیدیم. بنا ایجاد ریاست اجراییه ولو که یک قدم بسیار ابتدایی به طرف غیرمتمرکزسازی نظام بود؛ ولی ما آن را یک دستاورد کلان در این راستا می‌دانستیم. هم‌چنان، اگر مواد توافق‌نامه‌ای که صورت گرفته بود، مثلاً ایجاد کمیسیون تعدیل قانون اساسی، اصلاحات انتخاباتی، انتخابات شورای ولسوالی‌ها و مسائل دیگر، عملی می‌شد، قطعاً در انتخابات ۲۰۱۹ ما شاهد دستاوردهای بزرگ دیگری می‌بودیم که اکثر خواسته‌های مردم افغانستان برآورده می‌شد.

متأسفانه در ۲۰۱۴ پس از ایجاد حکومت وحدت ملی آن توجهی را که رییس اجرایی باید بر سر تطبیق توافق‌نامه می‌کرد، نکرد. این یک عقب‌نشینی بود که متأسفانه تا امروز مردم ما زیانش را می‌بینند. در انتخابات ۲۰۱۹ ما تا جایی که داکتر عبدالله در خط دفاع از مردم بود، تا تحلیف پیش رفتیم. این‌که چرا مقلطه صورت گرفت، به این دلیل بود که داکتر عبدالله که کاندیدای جمعیت اسلامی بود و باید در راستای اهداف جمعیت عمل می‌کرد، متأسفانه با امضای توافق‌نامه سیاسی از خواسته‌های ما عقب‌نشینی کرد. در حالی که از تجربه سابقه کار با آقای غنی و عدم پای‌بندی او به توافق‌نامه حکومت وحدت ملی خوب می‌دانست، تن به امضای این توافق‌نامه داد و نتیجه‌اش را امروز همه می‌بینیم. ما طرف‌دار تعامل بودیم و می‌خواستیم که یک تعامل معقول و مبتنی بر منافع مردم‌مان صورت بگیرد و بر حفظ ریاست اجراییه به عنوان مرجع متوازن‌سازی قدرت تأکید شود؛ اما وقتی دیدیم که صلاحیت اجرایی در حکومت نیست و سایر بخش‌ها تنها در حد توافق‌نامه روی کاغذ باقی می‌ماند و مسأله مشارکت معنادار در نظام و قدرت مطرح نیست، گفتیم که نیاز نیست جمعیت اسلامی شامل این توافق‌نامه باشد. هم‌چنان آقای عبدالله زیاد به شامل شدن در حکومت و قدرت اجرایی علاقه‌مند نبود. او زیادتر فکرش این بود که این حکومت بیش‌تر از شش ماه دوام نمی‌کند و همه جهان سر پرده صلح توجه دارند و بنا تأکید داشت که بودندش به حیث رییس شورای عالی مصالحه در رأس این نهاد مهم‌تر است، بنا تصمیم گرفت که برود. ما موافق نبودیم و مقلطه کردیم.

ادامه در صفحه ۷

نورستانی. وقتی که گفته شد که پیشنهادشان را به عنوان سفیر در اسپانیا بفرستید، من با آن موافق نبودم، به دلیل این‌که آقای نورستانی یک پروسه کلان ملی را صدمه زده بود و نباید به جای مجازات، مکافات می‌شد. این امتیازدهی سیاسی از هیچ لحاظی درست نبود. بعداً ثابت هم شد که آقای نورستانی در امریکا یک دوسیه دارد، که فکر کنم محکمه حکم داده و مجازات هم اعلام شده است.

موضوع دیگر، تفری‌های سیاسی بسیار زیاد به سطح سفرا در وزارت خارجه بود. در بعضی موارد، کشورهای میزبان حتا مخالف تقرر بعضی از افراد در کشورشان بودند. حتا خود کشورها آمدند و گفتند که قبل از این‌که ما موافقت‌نامه «اگریمان» خود را به سفیر پیشنهادی‌تان بدهیم، از طرف حکومت‌تان اعلان می‌شود که فلان شخص در کشورمان به حیث سفیر مقرر شده است، این موافقت ارتباط می‌گیرد به کشور میزبان. متأسفانه تفری‌های سیاسی حتا قبل از رسیدن به وزارت خارجه به مطبوعات درز می‌کرد. کشورهای میزبان در مواردی مخالفت صریح‌شان را نشان می‌دادند.

حرف دیگر، تفری‌های بیرون از وزارت خارجه بود. نظرم این بود که در وزارت خارجه افراد بسیار خوبی داشتیم که می‌توانستند از افغانستان به حیث سفیر نماینده‌گی بسیار سالم و خوبی بکنند و تجربه و ظرفیت داشتند. تأکید من بیش‌تر بر این بود که ظرفیتی که در وزارت خارجه است، باید تشویق شود و کارمندان باتجربه و باظرفیت به حیث سفیر تعیین شوند. طبیعی است که در هر کشور فیصدی از مقرری‌های سفارت‌ها سیاسی می‌باشد؛ اما چیزی را که من در وزارت خارجه می‌دیدم و روندی که از طرف ریاست جمهوری آغاز شده بود، تکان‌دهنده بود. مثلاً هر کسی که توسط آقای غنی بنا بر هر دلیلی برکنار می‌شد، به حیث سفیر معرفی می‌شد. همین حالا در وضعیت کنونی اگر ببینید، یک تعداد زیادی از سفرای ما مقرری‌های سیاسی هستند. البته نمی‌گویم که همه مقرری‌های سیاسی افراد خوب نبودند یا ناکاره بودند؛ اما تعدادی بودند که از افغانستان نماینده‌گی خوب نکردند و ما دیدیم که مشکلات‌شان به مطبوعات و رسانه‌ها رسید. اما برعکس همه سفیرانی که از میان کارمندان وزارت خارجه با پیشنهاد ما معرفی شده بودند، کسانی بودند که پرکار بودند، نتیجه کارشان خوب بوده است و نماینده‌گی بسیار خوبی از افغانستان در خارج از کشور داشتند و موفق هم بودند. چون آن‌ها در کار بلد بودند، تجربه داشتند و سال‌ها این مسیر را طی کرده‌اند. قبل از سفیر شدن، سکرتر اول بوده، مستشار، مستشار وزیر مختار، معاون سفیر و سفیر بوده، خوب پیش آمدند و بسیار موفق هم بودند و هستند. یکی از دلایل اصلی اختلاف با آقای غنی حمایت و دفاع من از حقوق کارمندان وزارت خارجه بود که متأسفانه به دلایلی با وزارت خارجه عقده‌مندانه برخورد صورت می‌گرفت.

روحیه متأسفانه تا آخر حکومت وحدت ملی حاکم بود و هیچ تغییری در آن نیامد.

**حمیدزاده:** اما مردم در اواخر دوره کاری شما در جریان کشیده‌گی و تنش میان شما و آقای غنی قرار گرفتند؛ بیش‌تر بر سر تعیین یکی از معینان وزارت امور خارجه بود. شما چرا چهار ماه اجازه ندادید که یکی از معینان تعیین‌شده از سوی رییس جمهور به کارش آغاز کند؟

**ربانی:** وزارت امور خارجه، به خصوص بخش معینیت اداری، یک بخش بسیار تکنیکی است. اگر کسی تجربه و ظرفیت کاری نداشته باشد، با مشکلات زیادی مواجه می‌شود. پیشنهاد شخصی را که به عنوان معین آورده بودند، اصلاً در شروع با من به حیث امر مستقیم مشوره نشده بود. فقط روان کردند که پیشنهادش فرستاده شود، حتا حکم فرستاده بودند. ملاحظه ما همین بود که معین پیشنهادشده تجربه و ظرفیت کافی ندارد. ما گفتیم که خُب، اگر فکر می‌کنید که این یک خانم است و می‌خواهید ترکیب جنسیتی در وزارت امور خارجه مراعات شود، می‌شود که در سطح رهبری این را به حیث معین اقتصادی معرفی کنید، نظر من این است که در معینیت اداری یکی از کارمندان باتجربه وزارت خارجه تعیین شود. اما آن‌ها تأکید داشتند که به هر قیمتی که می‌شود، این خانم به حیث معین اداری تعیین شود که برای ما قابل قبول نبود. از جانب دیگر، چون طرف دیگر حکومت، آقای عبدالله بود، من این موضوع را با وی مطرح کردم. او تا یک مدتی با من هم‌نظر بود تا این‌که گپ به دو سه ماه کشید. در اخیر، خواست آقای عبدالله این بود که رییس جمهور پیشنهاد کرده، خوب است شما هم قبول کنید و با پدرمیانی بعضی از بزرگان سیاسی این خانم معرفی شد. بعدها دیده شد که این خانم با مشکلات و چالش‌های زیادی روبرو شده است و توسط آقای غنی که خود مقررش کرده بود، برکنار شد.

**حمیدزاده:** شایعه‌هایی در آن زمان وجود داشت که بعضی از پیشنهادات شما در قسمت تفری برخی از افراد از سوی رییس جمهور رد می‌شد؛ اما شما خلاف خواست رییس جمهور تفری‌های‌تان را انجام می‌دادید، این درست است؟

**ربانی:** اول، باید این موضوع واضح باشد که من هر کاری که کردم، در مطابقت با قانون، در چارچوب قانون و صلاحیتی که قانون به وزیر خارجه داده است و اگر می‌بود، امروز روشن و واضح می‌شد. دوم، پیشنهادهایی در چند مرحله آمد، در مورد بعضی آن‌ها ملاحظاتی داشتیم. مثلاً برخی از افرادی که به سفارت معرفی شده بودند و گفته بودند که آن‌ها باید پیشنهادشان به عنوان سفیر فرستاده شود، ما ملاحظاتی در آن داشتیم، به گونه مثال، آقای

**حمیدزاده:** بسیار تشکر که وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید. از دوره کاری‌تان در وزارت امور خارجه آغاز می‌کنیم. شما یک دوره وزیر امور خارجه کشور بودید، رابطه کاری‌تان با رییس جمهور چگونه بود؟

**ربانی:** تشکر می‌کنم از شما و از روزنامه ۸ صبح که یکی از روزنامه‌های بسیار خوب افغانستان است و یک اعتماد و اعتباری را در جامعه ایجاد کرده است. من معمولاً روزنامه ۸ صبح و اطلاعات روز را همیشه تعقیب می‌کنم. این اولین مصاحبه من با ۸ صبح است. در ارتباط به رابطه من در حکومت وحدت ملی با آقای غنی، در ماه‌های اول کدام گپ خاصی نبود. نشست‌های کابینه به شکل معمول پیش می‌رفت. آهسته آهسته در ماه بعدی، به خصوص زمانی که من از پارلمان رای اعتماد گرفتم و وعده‌هایی که به پارلمان سپرده بودم که در وزارت امور خارجه اصلاحات می‌آوریم، مسائل تشکیل وزارت را تجدید نظر می‌کنیم و مسائل دیگری که به این نهاد و دستگاه سیاست خارجی افغانستان ارتباط می‌گیرد، باید بهتر و خوب‌تر شود، تا یک نماینده‌گی سالم و خوب از افغانستان در جهان داشته باشیم. با توجه به این‌که حکومت وحدت ملی هم یک تجربه جدید در افغانستان بود و اساس یا مبنای حکومت هم توافق سیاسی بود، تلاش ما همین بود تا در یک فضای اعتماد و هم‌پذیری در حکومت کار کنیم.

آمدیم و کار شروع شد. همه آقای غنی را (طبیعت کارش، شخصیتش و طرز اداره‌اش را) می‌دانند و نشریه‌ها و مطبوعات هم در این مورد زیاد گفتند. بار اول پس از این‌که روی پیشنهاد یکی از سخن‌گویان برای مقرری به حیث مستشار وزیر مختار در یکی از کشورها بدون دوره کاری سه‌ساله در داخل وزارت موافقه نکردم و در ملاقاتی که با آقای غنی داشتم، گفتم، خوب است این شخص برای یک مدتی در وزارت خارجه در کابل کار کند تا کمی بیش‌تر بلد شود و تجربه بگیرد، بعداً در همان جایی که شما می‌خواهید، مقررش می‌کنیم. من به آقای غنی گفتم که ما در پارلمان حرف از آوردن اصلاحات زدیم و وعده سپردیم که مطابق قانون کارکنان دیپلماتیک افغانستان، عمل می‌کنیم. مطابق قانون، کارمندان وزارت باید سه سال در داخل و سه سال در خارج مأموریت کنند. همین جا بود که احساس کردم، روابط مان به تیره‌گی گرایید. در همان ابتدا من این احساس را کردم که شاید استدلال من سرش خوش نخورده باشد.

متأسفانه در حکومت وحدت ملی تا آخر همان روحیه انتخاباتی حاکم بود. به این معنا که آقای غنی، وزیران تیم مقابل را اعضای تیم رقیب می‌دانست، نه به حیث یک تیم مشترکی که حکومت را تشکیل دادند و تفاهم‌نامه امضا کردند. نه تنها که وزارت امور خارجه از این وضعیت متأثر بود، بلکه اکثر حکومت، به خصوص وزارت‌خانه‌هایی که به تیم داکتر عبدالله ارتباط داشتند، بیش‌تر زیر فشار قرار می‌گرفتند. این



# آتش جنگ در شمال شعله‌ور است

**از سقوط ولسوالی‌های فرخار و چاه‌آب ولایت تخار، خیزش‌های مردمی و ارتش یک‌جا جلوگیری کردند. بازار ولسوالی علی‌آباد ولایت کندز هم به دست گروه طالبان سقوط کرده است. همین‌طور در روزهای گذشته قرارگاه ارتش در منطقه بغاوی ولسوالی سوزمه‌قلعه ولایت سرپل به دست طالبان افتاده است. در ولایت بلخ هم اوضاع به شدت وخیم است و در یک مورد، نیروهای امنیتی از ولسوالی زاری با تمام تجهیزات‌شان عقب‌نشینی کرده‌اند. در صورتی که غفلت صورت بگیرد، چندین ولسوالی دیگر ولایت‌های شمال کشور نیز در معرض سقوط قرار دارد.**

♦ مانی

به نظر می‌رسد که نبرد نهایی و فیصله‌کن گروه طالبان و ارتش پیش از به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای صلح آغاز شده است. از قریه‌ها تا سطح شهرهای بزرگ، جنگ جریان دارد و در جریان این جنگ، روزانه چند صد نفر ملکی و نظامی کشته می‌شوند. هرچند در جریان ماه می، یعنی در اولین ماه آغاز روند خروج نیروهای امریکایی، ارتش کشور گروه طالبان را مجازات و بر آنان تلفات بزرگی وارد کرد؛ اما طی چند هفته اخیر، طالبان چندین ولسوالی را از کنترل ارتش خارج کرده و سقوط داده‌اند و حکومت هم از چندین ولسوالی نیروهایش را خارج کرده است. این عقب‌نشینی‌های تاکتیکی و سقوط ولسوالی‌ها برای مردم نگرانی جدی خلق کرده است؛ زیرا بیش‌تر این عقب‌نشینی‌ها مشکوک و پرسش‌برانگیز است.

جنگ میان گروه طالبان و نیروهای ارتش در شمال کشور شدت یافته است. همین اکنون در ولایت‌های فاریاب، بلخ، جوزجان، بغلان، کندز، تخار و بدخشان میان ارتش و گروه طالبان جنگ شدید جریان دارد و طی روزهای گذشته چندین ولسوالی به دست طالبان افتاده است و هم‌چنان خیزش‌های مردمی همراه با نیروهای ارتش از سقوط چندین ولسوالی دیگر در ولایت‌های شمال جلوگیری کرده‌اند. مرکز ولایت



سرپل، مرکز ولایت تخار و چندین ولایت دیگر همین اکنون در محاصره گروه طالبان قرار دارد و حکومت مرکزی برنامه روشن برای آوردن تغییر در اوضاع این ولایت‌ها ندارد و حتا چیزی در این مورد برای مردم و مطبوعات نمی‌گوید. شدت جنگ‌ها در شمال و پیش‌روی گروه طالبان در این بخش مهم کشور، پای مارشال دوستم و فرزند او را به صف اول نبرد در برابر طالبان کشانده است و اگر اوضاع به همین

سرعتی که جریان دارد به نفع گروه طالبان پیش برود، شاید احزاب و فرماندهان مطرح جهادی در هفته‌ها و ماه‌های آینده وادار به وارد شدن و سهم گرفتن در جنگ علیه طالبان شوند. چند روز قبل، ولسوالی اشکمش تخار به دست طالبان سقوط کرد. تمامی تجهیزات نظامی ارتش در این ولسوالی به دست گروه طالبان افتاده است که این مسأله آن چیزی را که ارتش ادعا می‌کند، نشان نمی‌دهد. عقب‌نشینی تاکتیکی که ارتش از آن سخن می‌گوید، در صورتی درست است که نیروهای ارتش، ولسوالی‌ها را پس از انتقال تجهیزات تخلیه کنند. بعضی از ولسوالی‌ها با وساطت موی سفیدان محل سقوط داده شده است. گروه طالبان از طریق متنفذان محلی به سربازان پیام فرستاده است که امریکایی‌ها خارج می‌شوند و اوضاع عمومی پس از خروج آنان از بنیاد تغییر خواهد کرد و برای همین، دیگر نیاز نیست خودتان را به کشتن بدهید. بنابراین، سقوط همه ولسوالی‌ها آن طور هم که حکومت می‌گوید، نیست. اغلب ولسوالی‌ها با جنگ، توطئه و دیپلماسی سقوط کرده است.

از سقوط ولسوالی‌های فرخار و چاه‌آب ولایت تخار، خیزش‌های مردمی و ارتش یک‌جا جلوگیری کردند. بازار ولسوالی علی‌آباد ولایت کندز هم به دست گروه طالبان سقوط کرده است. همین‌طور در روزهای

## در برابر حملات مرگ‌بار، صدای مشترک نفرین را بلندتر کنیم

♦ احمدنادر نادری

عبدالستار، از بسته‌گان نزدیک من، بیست‌وپنج سال سن داشت و دیروز در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز، به خاطر دفاع از مردم و نظام، در کنار سایر هم‌زمانش قربانی داد و شهید شد. او پدر دو دختر بود و انتظار تولد فرزند سومیش را می‌کشید که شش ماه بعد تولد می‌شود. ستار، عضو نیروهای خاص اردو بود و از این‌که در کنار سایر هم‌زمانش -که از نقاط مختلف و اقوام مختلف کشور هستند- برای دفاع از یک افغانستان آباد و همه‌شمول در یک صف ایستاده بود، احساس افتخار می‌کرد.

در سال‌های پسین، موارد زیادی از حملاتی را شاهد بوده‌ایم که به گونه مستقیم و منظم، اعضای گروه قومی هزاره و مردم شیعه‌مذهب ما را هدف قرار داده و از آنان قربانی گرفته است و به این طریق هارمونی اجتماعی ما را که ستار به آن افتخار می‌کرد و برایش قربانی داد، در معرض تهدید قرار داده است. قربانیان این حملات مستمر، غالباً بی‌دفاع‌ترین غیرنظامیان -مثل زنان و کودکان- هستند. این اعمال که سیستماتیک بودن و هدفمند بودن آن خیلی آشکار است، بازگوکننده جنایات نابخشودنی‌ای است که قوانین بین‌المللی بشردوستانه درباره آن بحث‌های واضح و روشن دارد.

این حملات با سایر اعمالی مشابهت دارد که از سوی گروه‌های مختلف، به شمول طالبان، داعش و دیگران در مقاطع گوناگون و در بخش‌های گوناگون کشور انجام می‌شود. استاد محمدمامین احمدی و سایر حقوق دانان برجسته کشور در توضیح چنین حملات، نوشته‌هایی داشته‌اند. روشن است که این حملات، قبیح‌ترین نوع جنایاتی است که به هدف کشتار مردم بی‌گناه صورت می‌گیرد.

اولین بار روش سازمان‌یافته و هدفمند این جنایات را در سال ۱۳۸۷ که در کمیسیون مستقل حقوق بشر بودم، زمانی متوجه شدم که روی مستندسازی تلفات ملکی در جنگ‌ها کار می‌کردیم. نتیجه آن، گزارشی بود زیر عنوان «از امید به سوی ترس» و یک گزارش دیگر، زیر عنوان «تختلی‌های مخالفین مسلح حکومت علیه مردم ملکی در افغانستان». اولی به تلفات انسانی عملیات‌های نیروهای بین‌المللی طرفدار حکومت می‌پرداخت؛ اما دومی درباره کشتارهای هدفمند،

گذشته قرارگاه ارتش در منطقه بغاوی ولسوالی سوزمه‌قلعه ولایت سرپل به دست طالبان افتاده است. در ولایت بلخ هم اوضاع به شدت وخیم است و در یک مورد، نیروهای امنیتی از ولسوالی زاری با تمام تجهیزات‌شان عقب‌نشینی کرده‌اند. در صورتی که غفلت صورت بگیرد، چندین ولسوالی دیگر ولایت‌های

شمال کشور نیز در معرض سقوط قرار دارد. گروه طالبان در حال حاضر بالای سقوط ولسوالی‌ها و تصرف و تسخیر حواشی شهرهای بزرگ شمال تمرکز کرده است و به نظر می‌رسد تا خروج کامل نیروهای امریکایی و متحدان آن‌ها بالای شهرهای بزرگ حمله نمی‌کند. به این دلیل که طالبان فکر می‌کنند در صورت سقوط شهرهای بزرگ، ممکن است نیروهای امریکایی بر آنان حمله کنند. یا شاید فکر می‌کنند که اگر چنین شود، ایالات متحده امریکا در سیاست خود در قبال افغانستان تجدید نظر می‌کند که نتیجه‌اش همکاری دوباره با نیروهای امنیتی و از سرگیری حملات هوایی بالای گروه طالبان است. برای همین شاید در گام اول طالبان می‌کوشند فرماندهان سابق را از سر راه خود بردارند و موانع احتمالی را برای سقوط شهرها نابود کنند.

برنامه گروه طالبان در حال حاضر تصرف ولسوالی‌ها و نزدیک شدن به مراکز ولایات است که این به معنای محاصره کردن شهرهای بزرگ است. محاصره شهرهای بزرگ پیامدش سقوط شهرها است، نه چیزی دیگر. این تاکتیک طالبان در آینده نتیجه خوب خواهد داد. یعنی در صورتی که پیش از خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان، مذاکرات صلح به نتیجه نرسد، سقوط شهرها برای گروه طالبان آسان خواهد بود.

فضای ناامن و نابهنجاری را به میان بیاورند تا با استفاده از آن بتوانند انتشار فکری، رشد سازمانی و قدرت عمل‌کرد بیش‌تر به دست بیاورند. این گروه‌ها به صورت مستمر، شیوه، تاکتیک و روش جنایت خود را تغییر می‌دهند و با رفتار محیلاانه، فضایی از ارباب و ترس و بی‌اعتمادی را تقویت می‌کنند.

نیروهای امنیتی ما شجاعانه برای جلوگیری از وقوع چنین جنایاتی خود را قربانی می‌کنند؛ اما مقابله در برابر روش‌ها و شیوه‌های جنایت‌کاران تنها با اتکا به تدابیر امنیتی رسمی ممکن نیست، بلکه نیاز به نوآوری و خلاقیت در تمام سطوح جامعه دارد. هر زمانی که یک گروه قومی، مذهبی، سمتی و یا قشری از جامعه ما مورد حمله قرار می‌گیرد، نیاز است تا ما همه به صورت جمعی، خود را به آن گروه و یا قشر نسبت بدهیم.

در رویداد حمله هفته گذشته بر کارکنان موسسه ماین‌پاکی هلو ترست در ولایت بغلان، یکی از مسوولان این موسسه مدعی است که حمله‌کننده‌گان در جست‌وجوی هزاره‌ها بودند؛ ولی او با شجاعت گفته است که هزاره‌ها در آن‌جا نیستند و در نتیجه حمله، خودش نیز زخم برداشته است. چنین رفتارها، قوت وحدت و هم‌دلی میان مردمان ما را نشان می‌دهد و نیاز است تا به رفتار جمعی ما تبدیل شود. در عین زمان، نیاز است که در لحظه بعد از وقوع جنایاتی از این دست، باید تمام ما -به هر قومی که منسوب استیم- هزاره شویم و صدای مشترک نفرین در مقابل همچو اعمال را رساتر کنیم. همین‌طور، از آن‌جایی که این‌گونه جنایات مشابه، همه‌روزه در نقاط دیگر کشور برای مردم سایر اقوام و اقشار جامعه ما اتفاق می‌افتد، در مواردی نیز همه ما به صورت کلی و لفظی جزو همان قوم و قشر باشیم. این شیوه مقاومت می‌تواند صف ما را در مقابل این جنایات، نفوذناپذیر و قوی کند.

از دید من، این تنها یک بحث انتزاعی روشن‌فکرانه و آرمان‌گرایانه نیست؛ تجربه‌ای است که مردم سوریه نزدیک به هشت سال گذشته با آن به صورت بسیار وحشتناک و دردآوری روبه‌رو بوده، مردم عراق نیز آن را تجربه کرده‌اند و ما هم با این تجربه به صورت عملی روبه‌رو هستیم. در پهلوی آن‌که باید درد تمام کشتارها را با قلب و جان حس کنیم و حس مشترک داشته باشیم، لازمی است تا با فکر آرام‌تر و هدفمندتر، به چگونه‌گی تشخیص ابعاد و خنثاسازی آنچه دشمنان می‌خواهند، بپردازیم. این حداقل چیزی است که شهیدانی چون طیبه موسوی، فاطمه محمدی و هزاران شهید گم‌نام دیگر این جنایات، از ما می‌طلبند.

### حملات مکرری که به صورت قصدی

**هموطنان هزاره و شیعه‌مذهب**

**ما را هدف قرار می‌دهند، نیز**

**می‌توانند ناشی از یک فیصله عمومی**

**هراس افگنان و نتیجه یک سیاست**

**واضح کشتار و قتل‌های بی‌رحمانه‌ای**

**باشند که با اهداف چندگانه انجام**

**می‌شوند. با در نظر داشت آنچه که**

**به صورت روزافزون در بخش‌های**

**مختلف کشور اتفاق می‌افتد، فردا**

**ممکن است گروه‌های مشخص، با**

**ویژه‌گی‌ها و پوشش‌های اجتماعی**

**دیگر، مورد هدف قرار بگیرند.**

**به گونه نمونه، ممکن است فردا**

**هراس افگنان مشخصاً قصد**

**جان گروه‌های تحصیل‌کرده و**

**درس‌خوانده‌های ما را کنند و یا**

**ممکن است اقشار دیگر جامعه ما،**

**مثل زنان، به صورت سیستماتیک و**

**دوام‌دار، مورد حمله قرار بگیرند.**

**این گروه‌ها، بارها هموطنان اهل**

**هندو و سیک ما و اماکن دینی‌شان را**

**هدف قرار داده‌اند.**

مورد هدف قرار بگیرند. به گونه نمونه، ممکن است فردا هراس‌افگنان مشخصاً قصد جان گروه‌های تحصیل‌کرده و درس‌خوانده‌های ما را کنند و یا ممکن است اقشار دیگر جامعه ما، مثل زنان، به صورت سیستماتیک و دوام‌دار، مورد حمله قرار بگیرند. این گروه‌ها، بارها هموطنان اهل هندو و سیک ما و اماکن دینی‌شان را هدف قرار داده‌اند.

هدف اصلی عاملان این حملات، با در نظر داشت شیوه‌های عمل‌کردشان، حداقل در ظرف دو دهه گذشته، ایجاد فاصله میان مردم و ایجاد تنش و تقویت بی‌اعتمادی در میان شهروندان کشور است. متأسفانه یکی از پیامدهای جنگ‌ها ایجاد شک در اعتماد میان اقوام ما بوده است. این بی‌اعتمادی در مواردی به گونه سطحی قابل رویت است و در بعضی از موارد محدود، در عمق سرایت کرده و اعتماد مشترک ما را متأثر ساخته است.

گروه‌های جنایت‌کار تلاش می‌کنند تا از این طریق





+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



## شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

# آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت  
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

# شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

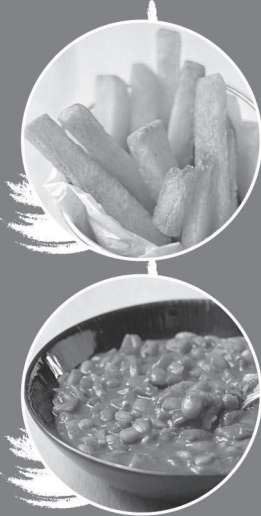
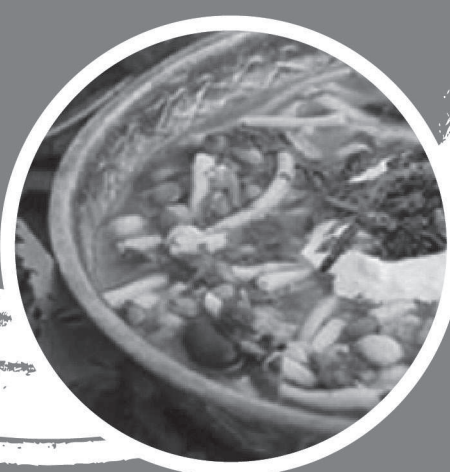
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

# آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید  
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه  
محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی  
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸





## طالبان؛

# خوداثباتی و اقتدار طلبی از راه ترور و کشتار

(تحلیل استراتژی «می‌کشیم، پس هستم» در برابر استراتژی «می‌اندیشیم، پس هستم»)

### تبیین مسأله

از حوادث تروریستی وحشتناک، فجیع و جنایت‌کارانه روزها و سال‌های اخیر افغانستان در مجموع، به دو نوع استراتژی می‌رسیم: یک استراتژی طالبان و دیگر گروه‌های هم‌سو با آن‌ها که حذف فیزیکی مخالفان سیاسی - قومی خود را بر اندیشه‌ورزی و گفت‌وگو ترجیح می‌دهند. دو استراتژی مخالفان سیاسی - قومی طالبان و به‌طور مشخص شیعیان هزاره استراتژی اول بر «ترور و کشتن» مخالفان سیاسی تمرکز دارد. استراتژی دوم اما «علم‌جویی» و «اندیشه‌ورزی» را در اولویت فعالیت‌های خویش قرار داده است. بر این اساس، گروه طالبان در تقابل با مخالفان سیاسی خود، به ویژه هزاره‌ها، استراتژی «می‌کشیم، پس هستم» را به عنوان مهم‌ترین استراتژی نظامی - سیاسی، در اولویت سیاست خود قرار داده است. این استراتژی که از آن به عنوان استراتژی «ارباب و ارباب» (ترس و وحشت و ترور و کشتار) هم می‌توان نام برد، در تلاش است تا سلطه و اقتدار سیاسی خود را از راه کشتار و حذف فیزیکی و سیستماتیک مخالفان تعقیب کند.

عمل کرد طالبان در چهار پنج سال اخیر، نشان می‌دهد که آن‌ها «خوداثباتی» و «اقتدارگرایی» را در لوله تفنگ و عملیات‌های انتحاری می‌بینند که می‌توان از آن به استراتژی «می‌کشیم، پس هستم» تعبیر کرد. این در حالی است که قدرت/اقتدار و کسب مشروعیت سیاسی، همان‌گونه که هانا آرنه، فیلسوف سیاسی معروف قرن بیستم نیز بر آن تأکید کرده است، از راه لوله تفنگ به دست نمی‌آید؛ زیرا اقتدار را تنها از طریق حضور افراد، یعنی مشارکت گسترده گروه‌های مختلف مردم در عرصه قدرت می‌توان به دست آورد. آرنه در تبیین تفاوت دو پدیده «خشونت» و «قدرت/اقتدار»، می‌گوید: «خشونت همیشه می‌تواند قدرت (اقتدار) را نابود کند. موثرترین فرمان از لوله تفنگ بیرون می‌آید و فوراً به کامل‌ترین اطاعت می‌انجامد. چیزی که هرگز ممکن نیست از لوله تفنگ بیرون آید، قدرت (اقتدار) است.»<sup>۱</sup>

بر این اساس، بین خشونت و قدرت تفاوت است که متأسفانه طالبان به این تفاوت التفات نکرده و خشونت را قدرت پنداشته‌اند. در برابر استراتژی «ترور و کشتار» طالبان، استراتژی «علم‌اندوزی» و «اندیشه‌ورزی» مخالفان طالبان، به ویژه هزاره‌ها است. هزاره‌ها که متأثر از آموزه‌های اسلام و معارف اهل بیت پیامبر اکرم هستند؛ تجهیز به سلاح علم و دانش را در اولویت‌شان قرار داده‌اند. دموکراسی رنجور افغانی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به وجود آمد، اندک مجالی برای «خوداثباتی» و اظهار وجود برای هزاره‌ها فراهم کرد تا خودی نشان دهند و به عبارتی، «هویت» و «هستی» خود را در عرصه علم و دانش به رخ بکشند. در این راستا، آن‌ها استراتژی «می‌اندیشیم، پس هستم» را انتخاب کردند. این استراتژی اما در عرصه اندیشه‌ورزی، مسبوق به کوگیتوی (می‌اندیشیم، پس هستم)<sup>۲</sup> دکارت است؛ دکارت، کوگیتو را اصل بنیادین و زیربنایی فلسفه راسیونالیستی خویش قرار داد و فلسفه تعقلی را برپایه آن استوار کرد.

هرچند به طور قطع و به گونه مستقیم نمی‌توان استراتژی «می‌اندیشیم، پس هستم» متعلمان و دانشجویان هزاره در دو دهه اخیر را به کوگیتوی دکارت نسبت داد و خوداثباتی آن‌ها را خوداثباتی فلسفی دکارتی تلقی کرد، با این حال اما برخی قراین و شواهد نشان می‌دهد که بین این دو «می‌اندیشیم، پس هستم»، می‌توان رابطه معنادار پیدا کرد؛ چون هزاره‌ها در دو دهه اخیر، در عمل نشان داده‌اند که استراتژی‌شان در مسأله خوداثباتی و اظهار وجود، استراتژی «می‌اندیشیم، پس هستم» بوده است. در این راهبرد، به جای جنگ و خشونت و حذف و نفی مخالفان و رقیبان سیاسی - قومی، بر توسعه علم و عقلانیت و گفت‌وگو و اندیشه‌ورزی تأکید می‌شود. به هر حال، چه بین «می‌اندیشیم، پس هستم» علم‌آموزان هزاره و «می‌اندیشیم، پس هستم» دکارت نسبت و رابطه‌ای باشد و چه نباشد، در این مطلب اما تردیدی نیست که استراتژی هزاره‌ها در مسأله خوداثباتی و اقتدارطلبی تاکنون استراتژی «می‌اندیشیم، پس هستم» بوده است. اما در فرض رابطه میان «می‌اندیشیم، پس هستم» دکارت و «می‌اندیشیم، پس هستم» هزاره‌ها، باید به مدلولات و ملزومات کوگیتوی دکارت هم توجه داشت؛ زیرا کوگیتوی دکارت دارای دلالت‌ها و استلزاماتی است که به مهم‌ترین‌شان اشاره می‌کنم:

۱- اولویت شناخت بر هستی، یا تقدم شناخت‌شناسی بر هستی‌شناسی؛  
۲- عقل‌گرایی در حوزه اندیشه و مسائل سیاسی - اجتماعی؛

۳- آزادی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛

۴- برابری و نفی فرادستی طبیعی؛

۵- استقلال و خودمختاری.

این‌ها، همان قراین و شواهدی است که از رابطه معنادار «می‌اندیشیم، پس هستم» هزاره‌ها با کوگیتوی دکارت پرده برمی‌دارد؛ زیرا تجربه و تاریخ دو دهه گذشته هزاره‌ها بیانگر آن است که آن‌ها تا حدودی به مضمون و مدلول این قضیه بنیادین دکارتی التفات داشته‌اند. به همین جهت، دانشجویان و نخبه‌گان هزاره و دیگر مخالفان سیاسی - قومی طالبان مدام از دموکراسی، آزادی، برابری، خودمختاری، عقل‌گرایی و حقوق بشر سخن می‌گویند و با نمادهای استبداد، تمامیت‌خواهی، نابرابری، مطلق‌گرایی و سنت‌گرایی قبیله‌ای طالبان و امثال طالبان مخالفت می‌کنند. امروزه نسل نو هزاره تلاش می‌کند تا خوداثباتی و اقتدارگرایی خود را با منطق «می‌اندیشیم و نه می‌کشیم» به رخ بکشد، در برابر استراتژی طالبان و دیگر قدرت‌طلبان تمامیت‌خواه که منطق «می‌کشیم و نه می‌اندیشیم» را در کانون توجه‌شان قرار داده‌اند. بنابراین، هزاره‌ها «هستی» خود را از راه اندیشه (تعلیم و تعلم) اثبات می‌کنند و اقتدارگرایی را در علم‌آموزی و اندیشه‌ورزی می‌جویند. طالبان اما «هستی» و اقتدارطلبی خود را از راه کشتار و حذف فیزیکی مخالفان سیاسی - قومی دنبال می‌کنند. اکنون باید این پرسش مهم را مطرح کرد: چرا طالبان به استراتژی مرگبار و دهشتناک «می‌کشیم، پس هستم» روی آورده‌اند و از آن سود می‌جویند؟ برای روشن شدن پاسخ این پرسش، به چند مسأله که از عوامل مهم روی‌آوری طالبان به چنین استراتژی اشاره می‌کنم:

### ۱- شهوت ترور و خشونت

از مهم‌ترین عوامل اتخاذ رویکرد غیرانسانی ترور و کشتار طالبان، مسأله «شهوت ترور و خشونت» است. از ابتدای تشکیل گروه طالبان در دهه ۹۰ میلادی، به ویژه در سال‌های اخیر، می‌بینیم که طالبان افرادی هستند که به شدت اسیر شهوت ترور و خشونت‌اند. اگر از دوره اول طالبان در دهه ۱۹۹۰، یعنی طالبان متقدم بگذریم و تنها عمل کرد دوره دوم، یعنی فعالیت‌های نظامی و سیاسی طالبان متأخر را در سال‌های اخیر ملاک قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که گروه طالبان یک گروه «تروراندیش» است و برای دست‌یابی به قدرت، به کم‌تر از تروریسم و خشونت‌گرایی نمی‌اندیشد؛ به همین جهت، برای رسیدن به قدرت استراتژی ترور و کشتار را برگزیده است.

### ۲- تبعیت از نظریه «تغلب‌زور» و مخالفت با دموکراسی

طالبان از آغاز تا امروز، از «امارت اسلامی» سخن می‌گویند، جنگ خود را «جهاد» در راه خدا و خود را «مجاهدین» اسلام می‌نامند که در افغانستان با دشمنان اسلام در حال جهاد اند. در حالی که رفتار طالبان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که آن‌ها با شیوه‌های تروریستی، بیش‌تر مردم، نخبه‌گان و نظامیان افغانستان را آماج حملات تروریستی‌شان قرار داده، جاده‌های عمومی و پل‌های بین‌جاده‌ای را تخریب کرده‌اند. این گروه قدرت‌طلب تمامیت‌خواه که شناختش از اسلام سطحی‌نگرانه، متصلبانه و جزم‌گرایانه است، با مفاهیم دموکراسی، برابری، آزادی، کرامت انسانی، حقوق بشر و دیگر مفاهیم معقول جهان مدرن بیگانه است؛ از این‌رو، حرکت خود را تئوکراتیک و خداسالارانه می‌پندارد. بر این اساس، مبنای بنیادین «تحریک طالبان» به زعم خودشان تئوکراسی است، لذا آن‌ها با دموکراسی و دیگر ارزش‌های مدرن نسبتی ندارند. البته در تئوکراسی‌خواهی هم طالبان صداقت ندارند و صرفاً در ظاهر و به دروغ، از آن سخن می‌گویند؛ چون در تئوکراسی واقعی اسلامی نیز آزادی، برابری، کرامت و حقوق انسانی نفی نشده است. دلیل این‌که طالبان در تئوکراسی‌خواهی نیز صداقت ندارند، این است که آن‌ها مدام تلاش کرده‌اند تا تئوکراسی را از راه «غلبه/تغلب» و «خشونت/جنگ» به کرسی بنشانند و قدرت را با نظریه «الحق لمن غلب»<sup>۳</sup> فراچنگ آورند. بدیهی است، سلطه بر مردم حتا در تئوکراسی از راه تغلب در دنیای امروز مشروعیت ندارد، پس قابل پذیرش نیست.

### ۳- تبعیت از روش و منطق ماکیاولیسم

با تأمل در رفتار طالبان، به ویژه در مشی سیاسی رهبران این گروه به مثابه کنش‌گران سیاست تئوکراتیکال، استراتژی ماکیاولیستی را در سیاست طالبانی به وضوح مشاهده می‌کنیم. رفتار رهبران

طالبان بیانگر یک نوع «ماکیاولیسم مذهبی» است. ماکیاولیسم مذهبی به این معنا است که ما اندیشه ماکیاولیسم را در زمینه تاریخی و در ذیل گفتمان‌های دینی و با تمسک به ابزارهای دینی محقق کنیم. اگر در سیاست طالبان اندک تأملی داشته باشیم، درمی‌یابیم که آن‌ها از ایده‌پردازان ماکیاولیسم مذهبی‌اند و جز «قدرت و سلطه» به چیزی دیگری نمی‌اندیشند. عمل کرد طالبان در سال‌های اخیر بیانگر منطق ماکیاولیسم است. در این منطق، «قدرت» اصل و هدف است، لذا برای رسیدن به قدرت یا حفظ آن از هر شیوه و روشی می‌توان بهره برد. در فلسفه ماکیاولیسم، ایمان و وجدان و فضیلت محکوم است، چنان‌چه اخلاق و عدالت و صداقت معنا ندارد و سیاست‌مداران باید طبیعت بشر و واقعیت سیاست را آن‌گونه که هست و نه آن‌گونه که باید باشد، برای مردم بیان کنند. در نگرش طالبان هم این قدرت است که اصل و هدف است و مدعیات دیگر آن‌ها همه ابزار رسیدن به قدرت است. هرچند طالبان در گفتار شجاعت ماکیاولی را ندارند تا از سیاست به گونه رئال آن دفاع کنند؛ اما در عمل همان منطق ماکیاولیسم را به شیوه خطرناک مذهبی آن دنبال می‌کنند. طالبان در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که برای آن‌ها دین، مذهب، فضیلت، صداقت و حتا خدا، همه وسیله‌اند و تنها چیزی که هدف و غایت است، قدرت و سلطه بر مردم است.

### ۴- حس نوستالژیک جهاد

در حسرت «جهاد» و «مجاهد» بودن از دیگر عوامل استراتژی طالبانی «می‌کشیم، پس هستم» است. از سخنان رهبران طالبان، به ویژه فرماندهان، جنگ‌جویان و مولوی‌های سطح پایین‌شان که با پشت‌پرده و درون سیاست آشنایی ندارند، چنین استفاده می‌شود که آن‌ها حسرت جهاد را در دل دارند و به همین دلیل، جنگ‌جویان خود را مجاهدین می‌نامند. این دسته از افراد طالبان که به انگیزه جهاد می‌جنگند، حس نوستالژیک جهاد خود را در آیینه آیات جهاد، مجاهدت‌های اصحاب پیامبر اکرم و خلفای راشدین می‌بینند.

### ۵- ارزش‌پنداری عمل تباه‌شده؛ جهاد پنداشتن ترور و انتحار

طبق بیان قرآن کریم، برخی افراد و گروه‌ها، زیان‌بارترین اعمال خود را ارزش و فضیلت می‌پندارند، در حالی که آن‌ها عمل تباه‌شده است. آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره «کهف» بیانگر مدعای باطل این افراد است: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُخَسِّبُونَ أَنَّهُمْ يُخْسِنُونَ صُنْعًا، يَكُونُ: «آیا شما را از آن‌ها که در کردار زیان‌کارتر اند آگاه سازیم؟ آن‌ها کسانی هستند که سعی‌شان در زنده‌گی دنیا هدر رفته و با این حال می‌پندارند که کار نیک انجام می‌دهند.» بی‌تردید، بدترین کار این است که انسان زیان‌بارترین کار خود را ارزش و کار نیک تلقی کند و نداند که عملش تباه‌شده است و در جهل مرکب به سر می‌برد. از مصادیق بارز این آیه، اقدامات تروریستی گروه‌های تروریست‌پرور طالبان و داعش است که به انگیزه و هدف دینی - مذهبی دست به تروریسم مذهبی و انتحاری می‌زنند. به راستی و بی‌تردید، گروه‌های بنیادگرا و تکفیری - تروریستی طالبان و داعش در افغانستان و دیگر کشورها، مصادیق بارز این آیه هستند و عمل تباه‌شده نیک پنداشته‌شده مورد نظر آیه شریفه، اعمال تروریستی و انتحاری است که عاملان مستقیم و غیرمستقیم آن، کار تروریستی خود را عمل نیک و جهاد در راه خدا می‌پندارند. رهبران طالبان عناصر فریب‌خورده جاهل و بی‌خبر از مفاهیم دین را به قتل‌گاه مردم بی‌گناه می‌فرستند تا با انتحار خود اقدام به خودکشی و دیگرگشی کنند. بنابراین، عناصر فریب‌خورده طالبان، با اقدام تروریستی خود به زعم باطل خویش گمان می‌کنند که در راه خدا جهاد می‌کنند؛ در حالی که طبق بیان قرآن زیان‌بارترین عمل خود که عمل هدررفته است را کار نیک و عمل شایسته می‌پندارند. در حقیقت آن‌ها در جهل مرکب به سر می‌برند و نمی‌دانند که عمل دنیوی‌شان عمل تباه‌شده است و عمل شایسته پاداش نیست. این تفکر، مثل این است که «بدترین چیز بهترین چیز تلقی شود».

### ۶- عقلانیت سوپژکتیو جزم‌گرایانه و بنیادگرایانه

موتور محرک و به عبارتی، پیشران ماشین نظامی و سیاسی طالبان در دو عرصه میدان و سیاست، عقل سوپژکتیو (شخصی و خودبنیاد) دگماتیسمی و فاندامنالیستی است؛ یعنی عقلانیت خودبنیاد



دکتر محمدحنیف طاهری  
نویسنده و پژوهشگر

جزم‌گرایانه، متصلبانه و بنیادگرایانه است. بدین‌سان، عقلانیت سوپژکتیو طالبانی که با ویژه‌گی‌های جزم‌گرایی، بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تعصب و تصلب همراه است، مبنا و منطق تمام فعالیت‌های طالبان در استراتژی سیاسی‌شان است. بر این اساس، عقل سیاسی طالبان نه عقل سلیم و متعارف سیاسی یونیورسال و حاکم بر جریان‌های سیاسی دیگر، بلکه عقل سوپژکتیو و بنیادگرایانه‌ای مبتنی بر پیش‌فرض‌های کاذب از دین است که در عین حال، به شدت متأثر از اقتدارگرایی توتالیتریستی، استبداد مذهبی و قدرت‌طلبی افسارگسیخته است. بنابراین، مهم‌ترین آسیب و چالش عقلانیت طالبانی که آن را از مذاکره و گفت‌وگوهای سازنده در موضوع صلح بین‌افغانی باز داشته است، همین مسأله است.

مسأله دیگر، اما تأثیرپذیری عقلانیت دگماتیک طالبانی از طمع‌ورزی زیاد به «قدرت» است؛ یعنی ناشی از خیز برداشتن شدید طالبان برای به چنگ آوردن قدرت است. حضرت علی در این باره می‌فرماید که بیش‌ترین قربانگاه/لغزشگاه عقل‌ها در زیر برق طمع‌ها است: «اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع»<sup>۴</sup>. مطابق این بیان حکیمانه، طمع‌ورزی شدید نسبت به هر چیز، به ویژه قدرت، عقلانیت انسان را دچار لغزش می‌کند. در جای دیگر، حضرت از تأثیرپذیری عقل از هوای نفس و خواهش‌های نفسانی سخن گفته است. به این معنا که هوای نفسانی به شدت

بر عقل انسانی تأثیرگذار است: «کم من عقل أسیر تحت هوا امیر»<sup>۵</sup>. چه بسا عقلی که اسیر فرمان‌روایی هوای نفس است. در این‌جا سخن از دو نوع عقل است: «عقل امیر» و «عقل اسیر». بر این اساس، عقل اگر در اسارت هوای نفس باشد، عقل اسیر است؛ عقل اما اگر بر هوای نفس امارت و فرمان‌روایی داشته باشد، عقل امیر است. براساس آنچه گفتیم، عقل طالبانی از نوعی عقل اسیر است و عقل اسیر پتانسیل تشکیل یا تأسیس امارت اسلامی راستین را ندارد. بنابراین، لاجرم تنها عقل امیر است که ظرفیت تأسیس امارت اسلامی را دارد که البته طالبان از این نوع عقل بهره‌ای نبرده‌اند. عقل اسیر، چون در بند هوای نفس است، لازم‌هاش اسارت و برده‌گی اتباع حکومت است. نکته پایانی این‌که، نخبه‌گان و جریان‌های سیاسی - قومی افغانستان باید بدانند که گفت‌وگو با طالبان تنها زمانی به نتیجه می‌رسد که در پیش‌فرض‌های بنیادین عقلانیت طالبانی تغییر ایجاد شود و آن‌ها براساس عقلانیت سیاسی متعارف بین‌المللی وارد گفت‌وگو شوند. در غیر این صورت، مذاکره با آن‌ها سودی ندارد.

### جمع‌بندی؛ امارت طالبان یا حاکمیت مدینه تغلبیه جاهله

از مجموع آنچه گفتیم به این نتیجه می‌رسیم که برابند قطعی استراتژی ترور و کشتار طالبان که به هدف دست‌یابی به قدرت و تشکیل امارت اسلامی صورت می‌گیرد، حاکمیت جامعه (مدینه) تغلبیه جاهله و فاسقه است و فراقی سیاست مدینه تغلبیه را بدترین سیاست انواع مدینه جاهله<sup>۶</sup> برمی‌شمارد؛ زیرا مدینه تغلب، هدفش کسب قدرت و امپراتوری و به برده‌گی گرفتن مردم است. بنابراین، نظام سیاسی که بر مبنا و روش تغلب و نظریه «الحق لمن غلب» تأسیس گردد، فاقد مشروعیت سیاسی است و پذیرش آن از سوی مردم، هیچ توجیه شرعی و عقلی ندارد.

- ۱- هانا آرنه، خشونت و اندیشه‌هایی درباره سیاست و انقلاب، ترجمه عزت‌الهم فولادوند، ص ۱۱۸.
- ۲- Cogito ergo sum (می‌اندیشیم، پس هستم).
- ۳- نظریه «تغلب»، عبارت از دیدگاه فقهی - کلامی است که اسلحه و زور را منبع مشروعیت سیاسی و قدرت را مترادف حقانیت می‌داند. فقهای مسلمان این نظریه را در این جمله خلاصه کرده‌اند: «الحق لمن غلب»، (حق با کسی است که پیروز باشد). این نظریه در میان برخی از فقهای اهل سنت مطرح است. به عنوان نمونه، امام محمد غزالی در احیاءالعلوم می‌گوید: «لحق لمن غلب و الحق لمن غلب، نحن مع من غلب»، یعنی (حق با کسی است که غلبه کند و حکومت هم از آن او است و ما هم با حاکم غالب هستیم).
- ۴- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۹.
- ۵- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱.
- ۶- مدینه جاهله، نامی برای هر جامعه‌ای است که از عقل نظری و عملی در آن اثری نیست.



## شیوه کار غنی...

**حمیدزاده:** در مورد صلح گپ برنیم. ایالات متحده امریکا با گروه طالبان توافق نامه امضا کرد. آیا امضای این توافق نامه به طالبان مشروعیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی بخشیده است؟ اشکال اصلی این توافق نامه چیست؟

**ربانی:** یک، توافق نامه سیاسی میان امریکایی‌ها و طالبان نه تنها که به طالبان رسمیت منطقه‌ای و بین‌المللی و مشروعیت بخشید؛ بلکه آن‌ها را به حیث یک طرف اصلی قضیه تبدیل کرد که طبعاً چیزی بود که طالبان از سال‌ها به این سو آن را می‌خواستند.

دو، مشکل کلان دیگر این موافقت‌نامه، همین بود که حکومت افغانستان در این مذاکرات از آغاز شامل نبود و نادیده گرفته شده بود. نیروهای بین‌المللی به ویژه امریکایی‌ها در کنار این‌که در بیست سال گذشته با خون و خزان‌شان در کنار مردم افغانستان قرار گرفتند و ما از آن‌ها تشکر می‌کنیم؛ ولی متأسفانه با نادیده گرفتن حکومت افغانستان، نظام و جمهوریت، ضربه کلاسی را بر پیکر کل نظام زدند. نتیجه‌اش هم این شد که طالبان تشجیع شدند و یک احساس کاذب پیروزی برای‌شان دست داده است. حالا فکر می‌کنند که برنده هستند.

سوم، غیرعملی بودن مواد این موافقت‌نامه بود. مثلاً رهایی ۵۰۰۰ زندانی طالبان در مدت ده روز و ملزم بودن حکومت بر رهایی آنان؛ در حالی که حکومت در مذاکرات حضور نداشت.

**حمیدزاده:** طی دو سال اخیر بیش‌ترین سخن و سروصدا در مورد مسأله صلح افغانستان و مذاکره با گروه طالبان است؛ اما شما چند روز قبل گفتید که طی چند سال اخیر، از زمانی که امریکایی‌ها گفت‌وگو را با طالبان شروع کردند و البته بعد از آن حکومت، تاهنوز هم یک گام جدی و عملی در این قسمت برداشته نشده است. شما پس به این روند مشکوک هستید و فکر می‌کنید این یک روند ناقص است؟

**ربانی:** دقیقاً بعد از امضای موافقت‌نامه طالبان و امریکایی‌ها، قرار بود مذاکرات تیم جمهوریت با طالبان آغاز شود. دیدیم که تنها مسأله توافق روی آجندا بیش‌تر از هفت ماه را دربرگرفت. از طرف دیگر، نبود استقلالیت و عدم تصمیم‌گیر بودن تیم جمهوریت در دوحه که در همان آغاز مذاکرات از سوی ارگ اعلام شد، نیز سبب شد تا این تیم در جایگاه خوبی قرار نگیرد. بحث دیگر جایگاه شورای مصالحه و نقش آن در صلح بود که متأسفانه روز به روز از سوی ارگ تضعیف شد. جمعیت اسلامی از همان آغاز این روند را به دلیل عدم حضور طرف‌های اصلی قضیه افغانستان ناقص می‌دانست و باور داشت که باید به عنوان یک طرف اصلی زیر چتر جمهوریت، یک تیم مستقل به مذاکرات دوحه بفرستد که چنین نشد. از جانب دیگر عدم صداقت دو طرف -هم طالبان و هم حکومت- نیز بر این روند تأثیر منفی گذاشت.

**حمیدزاده:** کسانی که از میان اصحاب رسانه و از هیأت گفت‌وگوکننده طرف جمهوری با گروه طالبان دیدند و عمل کرد گروه طالبان بعد از آن که با امریکایی‌ها توافق نامه امضا کردند در قسمت کاهش خشونت‌ها، ترورهای هدفمند و حملات بر شهرهای بزرگ و ولسوالی‌ها، نشان می‌دهد که در برنامه‌های طالبان هیچ تغییری نیامده است. یعنی گروه طالبان با همان رویکرد دهه هفتاد هنوز فعالیت می‌کند و به نظر می‌رسد که به گزینه نظامی متمرکز است، هنوز به مذاکره و گفت‌وگو و حل معضله و منازعه افغانستان از راه گفت‌وگو شاید چندان باور ندارد، مگر این‌که معجزه‌ای رخ بدهد در این مورد. در صورتی که طالبان این راه را انتخاب کنند و جمهوری و خدای نخواستند ارتش در برابر این‌ها کم بیاورند و نتوانند از شهرها دفاع کنند، برنامه حزب جمعیت چیست؟ شما چه کاری می‌خواهید بکنید؟

**ربانی:** ما هیچ‌گامی طرف‌دار بدتر شدن اوضاع نیستیم و نمی‌خواهیم که خدای نخواستند نهادهای دفاعی و امنیتی ما به یک حالت فروپاشی روبه‌رو شوند. جمعیت اسلامی افغانستان به حیث یک حزب سیاسی، همواره طرف‌دار حفظ نظام، حمایت و تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی افغانستان بوده است. چون جمعیت اسلامی بیش از هر جریان دیگری به خاطر دفاع از نظام قربانی داده است و همین اکنون نیز در خط اول دفاع از مردم قرار دارد. تأکید می‌کنم که اگر خدای نخواستند وضعیت به آن حد برسد، طبعاً مردم آماده دفاع از خود هستند و جمعیت در کنار مردم خود خواهد بود.

**حمیدزاده:** چند روز پیش بنین سیوان، فرستاده وقت

**ما هیچ‌گامی طرف‌دار بدتر شدن اوضاع نیستیم و نمی‌خواهیم که خدای نخواستند نهادهای دفاعی و امنیتی ما به یک حالت فروپاشی روبه‌رو شوند. جمعیت اسلامی افغانستان به حیث یک حزب سیاسی، همواره طرف‌دار حفظ نظام، حمایت و تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی افغانستان بوده است. چون جمعیت اسلامی بیش از هر جریان دیگری به خاطر دفاع از نظام قربانی داده است و همین اکنون نیز در خط اول دفاع از مردم قرار دارد.**



سازمان ملل به خاطر میانجی‌گری بین رژیم حزب دموکراتیک خلق و مجاهدین که حتماً مصاحبه آن را شما شنیده‌اید، در جواب یک سوال بسیار مشخص گفت که تاریخ در حال تکرار شدن است. یعنی ممکن است افغانستان روزهای آخر دوره حکومت یا رژیم حزب دموکراتیک خلق را تجربه کند، یعنی فروپاشی و سقوط. پیش‌بینی شما چه است، آیا علامت‌های فروپاشی را می‌بینید؟

**ربانی:** حرف‌های بنین سیوان به خود بنین سیوان ارتباط می‌گیرد. ولی چیزی را که در وضعیت فعلی ما می‌بینیم، افغانستان نیاز به ایجاد اجماع ملی، تقویت روحیه وحدت ملی و هم‌دیگرپذیری و ایجاد فضای اعتماد دارد. متأسفانه رهبری فعلی هم در ایجاد اجماع ملی و هم در تقویت روحیه وحدت ملی موفق نبوده و اگر اقدامی صورت گرفته، مقطعی و نمایشی بوده است. ما طرف‌دار به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای صلح هستیم و در همین راه بزرگ‌ترین قربانی (شهادت رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان) را متقبل شده‌ایم. هم‌چنان هیچ طرفی نباید در این فکر باشد که برنده میدان است. اگر یک طرف فکر کند که با خروج نیروهای خارجی برنده است و طرف دیگر با استفاده از این فرصت به فکر تداوم سلطه‌شان باشد، اشتباه می‌کنند. در آن صورت باز احتمال هر چیزی وجود دارد.

**حمیدزاده:** چرا در حکومت و دولت اسلامی مسأله تمرکززدایی از نظام، حالا چیزی که شما می‌گویید، مطرح نشد؟ چرا حتا بحث آن مطرح نشد؟

**ربانی:** مسأله تمرکززدایی از نظام از همان ابتدا داعیه جمعیت اسلامی بوده است. ولی متأسفانه شرایط آن زمان و جنگ‌های تحمیلی زمینه را فراهم ساخت. من یادداشت‌های استاد شهید را دارم که در لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی به همه، به ویژه به جمعیتی‌هایی که در لویه‌جرگه آمده بودند، تأکید داشت که ما طرف‌دار نظام پارلمانی هستیم.

**حمیدزاده:** در ماه‌های اخیر میان شما و عطا محمد نور یک کشیدگی پیش آمد که به اصطلاح رایج منجر به انشعاب جمعیت شد. حالا آقای عطا محمد نور جدا از شما، تشکیلات دیگری دارد. مشکل اساسی چه بود که کار به این‌جا کشید؟ یعنی شما بر سر چه چیزی به توافق نرسیدید؟ یا آقای نور نتوانست با شما به توافق برسد؟

**ربانی:** اول، من شخصاً با هیچ‌کسی مخالفت شخصی ندارم و اگر مخالفتی بوده، براساس ارزش‌ها و منافع کلان مردم مان بوده است. استاد عطا محمد نور یکی از شخصیت‌هایی است که در شمال افغانستان نفوذ و جایگاه خود را دارد و قابل حرمت است. مشکل به تازه‌گی پیدا نشده است، این مشکل برمی‌گردد به انتخابات ۲۰۱۹ که بعضی از دوستان برخلاف فیصله اکثریت، از کاندیدای دیگری حمایت کردند. دیدیم که این تیم قبل از شروع کارزارهای انتخاباتی از هم فروپاشید. در مرحله بعدی و بعد از این‌که ما با حکومت مقاطعه کردیم، همین دوستان ما اصرار داشتند که باید حضور پر قدرت هم در نظام و هم در مسأله صلح داشته باشیم. نظر ما این بود که با مشارکت چند کرسی بی‌صلاحیت در کابینه، ما برای حکومت برآمده از تقابل مشروعیت می‌بخشیم و به فرهنگ جعل و تزویر مهر تأیید می‌گذاریم و این همه فقط برای چند کرسی کوتاه‌مدت است که این خواست و هدف جمعیت اسلامی نیست. دوستان نپذیرفتند و بعدها دیدیم که بعضی از وزیران چگونه تحقیر و از وزارت بیرون کشیده شدند. در بحث جمعیت اسلامی و اتفاقات اخیر فعالیت‌های جمعیت اسلامی افغانستان در مطابقت با قانون اساسی، قانون احزاب و اساس نامه جمعیت اسلامی افغانستان که در وزارت عدلیه ثبت است، صورت می‌گیرد. خارج از آن، هیچ‌گونه حرکت و فعالیتی از لحاظ قانونی اعتبار ندارد.

**حمیدزاده:** شرط اساسی‌تان برای پذیرفتن عضویت شورای عالی دولت چه است؟

**ربانی:** تا حال شورای عالی دولت شکل نگرفته و ایجاد نشده است. ولی نظر ما این است که هر نهادی که ایجاد می‌شود، یک نهاد تصمیم‌گیر و باصلاحیت باشد. ترکیب آن متشکل از احزاب مقتدر و جریان‌های تأثیرگذار با تعداد محدود باشد. ترکیب جنسیتی و قومی نیز مراعات شود.

**حمیدزاده:** شما با نظام متمرکز مورد نظر آقای غنی که فعلاً ریاستش را برعهده دارد، موافق نیستید. نظام مورد نظر شما و نظامی را که حزب جمعیت برای تحقق آن تلاش می‌کند، چگونه نظامی است؟

**ربانی:** در گام نخست، در دوره دولت اسلامی ما نخست‌وزیر داشتیم و نخست‌وزیر، رئیس حکومت بود. والی‌ها و مسوولان محلی نیز براساس خواست مردم و مطابق پیشنهاد آن‌ها منصوب می‌شدند. یعنی گام‌هایی در راستای غیرمتمرکزسازی نظام برداشته شد. جمعیت اسلامی افغانستان طرف‌دار غیرمتمرکزسازی نظام و ایجاد نظام پارلمانی - صدارتی است. ما طرف‌دار نقش برجسته احزاب سیاسی هستیم. نظام پارلمانی - صدارتی تأمین‌کننده حضور تمام اقوام در نظام و حضور و مشارکت عادلانه آنان خواهد بود. طبعاً در وقتی که این نظام تغییر کند، نظام انتخاباتی ما هم باید تغییر کند. نظام انتخاباتی حزبی شود، والی‌ها انتخابی شوند و مردم در تعیین والی‌ها و ولسوال‌های‌شان نقش موثر داشته باشند. اما وضعیت نظام فعلی ریاستی متمرکز

که همه کار در دست یک نفر است، مشکلات را بسیار زیاد ساخته است و همه روزها ما شاهد همین مشکلات هستیم. این‌که یک شخص، از یک کارمند عادی تا والی و همه‌چیز را تعیین کند، در بیست سال گذشته تجربه ناکام بوده است و این باور که نظام ریاستی متمرکز یک نسخه مناسب برای کشوری مثل افغانستان است، باطل شده است.

**حمیدزاده:** چرا در حکومت و دولت اسلامی مسأله تمرکززدایی از نظام، حالا چیزی که شما می‌گویید، مطرح نشد؟ چرا حتا بحث آن مطرح نشد؟

**ربانی:** مسأله تمرکززدایی از نظام از همان ابتدا داعیه جمعیت اسلامی بوده است. ولی متأسفانه شرایط آن زمان و جنگ‌های تحمیلی زمینه را فراهم ساخت. من یادداشت‌های استاد شهید را دارم که در لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی به همه، به ویژه به جمعیتی‌هایی که در لویه‌جرگه آمده بودند، تأکید داشت که ما طرف‌دار نظام پارلمانی هستیم.

**حمیدزاده:** در ماه‌های اخیر میان شما و عطا محمد نور یک کشیدگی پیش آمد که به اصطلاح رایج منجر به انشعاب جمعیت شد. حالا آقای عطا محمد نور جدا از شما، تشکیلات دیگری دارد. مشکل اساسی چه بود که کار به این‌جا کشید؟ یعنی شما بر سر چه چیزی به توافق نرسیدید؟ یا آقای نور نتوانست با شما به توافق برسد؟

**ربانی:** اول، من شخصاً با هیچ‌کسی مخالفت شخصی ندارم و اگر مخالفتی بوده، براساس ارزش‌ها و منافع کلان مردم مان بوده است. استاد عطا محمد نور یکی از شخصیت‌هایی است که در شمال افغانستان نفوذ و جایگاه خود را دارد و قابل حرمت است. مشکل به تازه‌گی پیدا نشده است، این مشکل برمی‌گردد به انتخابات ۲۰۱۹ که بعضی از دوستان برخلاف فیصله اکثریت، از کاندیدای دیگری حمایت کردند. دیدیم که این تیم قبل از شروع کارزارهای انتخاباتی از هم فروپاشید. در مرحله بعدی و بعد از این‌که ما با حکومت مقاطعه کردیم، همین دوستان ما اصرار داشتند که باید حضور پر قدرت هم در نظام و هم در مسأله صلح داشته باشیم. نظر ما این بود که با مشارکت چند کرسی بی‌صلاحیت در کابینه، ما برای حکومت برآمده از تقابل مشروعیت می‌بخشیم و به فرهنگ جعل و تزویر مهر تأیید می‌گذاریم و این همه فقط برای چند کرسی کوتاه‌مدت است که این خواست و هدف جمعیت اسلامی نیست. دوستان نپذیرفتند و بعدها دیدیم که بعضی از وزیران چگونه تحقیر و از وزارت بیرون کشیده شدند. در بحث جمعیت اسلامی و اتفاقات اخیر فعالیت‌های جمعیت اسلامی افغانستان در مطابقت با قانون اساسی، قانون احزاب و اساس نامه جمعیت اسلامی افغانستان که در وزارت عدلیه ثبت است، صورت می‌گیرد. خارج از آن، هیچ‌گونه حرکت و فعالیتی از لحاظ قانونی اعتبار ندارد.

**حمیدزاده:** شما در حال حاضر هیچ‌گونه همکاری با حکومت ندارید. به نظر شما در حال حاضر آقای غنی و حکومت چه گام‌هایی را باید بردارند و چه اقداماتی عملی‌ای برای بهتر شدن وضعیت باید داشته باشند؟

**ربانی:** از نظر ما از یک طرف نظام با مشکل مشروعیت روبه‌رو است و از طرف دیگر با توجه به وضعیت حساس کنونی کشور، امکان برگزاری یک انتخابات دیگری وجود ندارد. بنا به بهترین راه و بهترین گزینه همین است که تلاش شود، تا یک اجماع ملی واقعی به وجود آید. آقای غنی باید شیوه کار خود را تغییر دهد. با دید قومی، انحصارگرایی و برتری‌طلبی نمی‌شود افغانستان را اداره کرد. افغانستان را باید خانه مشترک همه بدانند و افغانستان را به حیث افغانستان قبول کند.

**حمیدزاده:** شرط اساسی‌تان برای پذیرفتن عضویت شورای عالی دولت چه است؟

**ربانی:** تا حال شورای عالی دولت شکل نگرفته و ایجاد نشده است. ولی نظر ما این است که هر نهادی که ایجاد می‌شود، یک نهاد تصمیم‌گیر و باصلاحیت باشد. ترکیب آن متشکل از احزاب مقتدر و جریان‌های تأثیرگذار با تعداد محدود باشد. ترکیب جنسیتی و قومی نیز مراعات شود.

**حمیدزاده:** شما با نظام متمرکز مورد نظر آقای غنی که فعلاً ریاستش را برعهده دارد، موافق نیستید. نظام مورد نظر شما و نظامی را که حزب جمعیت برای تحقق آن تلاش می‌کند، چگونه نظامی است؟

**ربانی:** در گام نخست، در دوره دولت اسلامی ما نخست‌وزیر داشتیم و نخست‌وزیر، رئیس حکومت بود. والی‌ها و مسوولان محلی نیز براساس خواست مردم و مطابق پیشنهاد آن‌ها منصوب می‌شدند. یعنی گام‌هایی در راستای غیرمتمرکزسازی نظام برداشته شد. جمعیت اسلامی افغانستان طرف‌دار غیرمتمرکزسازی نظام و ایجاد نظام پارلمانی - صدارتی است. ما طرف‌دار نقش برجسته احزاب سیاسی هستیم. نظام پارلمانی - صدارتی تأمین‌کننده حضور تمام اقوام در نظام و حضور و مشارکت عادلانه آنان خواهد بود. طبعاً در وقتی که این نظام تغییر کند، نظام انتخاباتی ما هم باید تغییر کند. نظام انتخاباتی حزبی شود، والی‌ها انتخابی شوند و مردم در تعیین والی‌ها و ولسوال‌های‌شان نقش موثر داشته باشند. اما وضعیت نظام فعلی ریاستی متمرکز

**حمیدزاده:** چند روز پیش بنین سیوان، فرستاده وقت

**حمیدزاده:** شما در حال حاضر هیچ‌گونه همکاری با حکومت ندارید. به نظر شما در حال حاضر آقای غنی و حکومت چه گام‌هایی را باید بردارند و چه اقداماتی عملی‌ای برای بهتر شدن وضعیت باید داشته باشند؟

**ربانی:** از نظر ما از یک طرف نظام با مشکل مشروعیت روبه‌رو است و از طرف دیگر با توجه به وضعیت حساس کنونی کشور، امکان برگزاری یک انتخابات دیگری وجود ندارد. بنا به بهترین راه و بهترین گزینه همین است که تلاش شود، تا یک اجماع ملی واقعی به وجود آید. آقای غنی باید شیوه کار خود را تغییر دهد. با دید قومی، انحصارگرایی و برتری‌طلبی نمی‌شود افغانستان را اداره کرد. افغانستان را باید خانه مشترک همه بدانند و افغانستان را به حیث افغانستان قبول کند.

**حمیدزاده:** شما در حال حاضر هیچ‌گونه همکاری با حکومت ندارید. به نظر شما در حال حاضر آقای غنی و حکومت چه گام‌هایی را باید بردارند و چه اقداماتی عملی‌ای برای بهتر شدن وضعیت باید داشته باشند؟

**ربانی:** از نظر ما از یک طرف نظام با مشکل مشروعیت روبه‌رو است و از طرف دیگر با توجه به وضعیت حساس کنونی کشور، امکان برگزاری یک انتخابات دیگری وجود ندارد. بنا به بهترین راه و بهترین گزینه همین است که تلاش شود، تا یک اجماع ملی واقعی به وجود آید. آقای غنی باید شیوه کار خود را تغییر دهد. با دید قومی، انحصارگرایی و برتری‌طلبی نمی‌شود افغانستان را اداره کرد. افغانستان را باید خانه مشترک همه بدانند و افغانستان را به حیث افغانستان قبول کند.



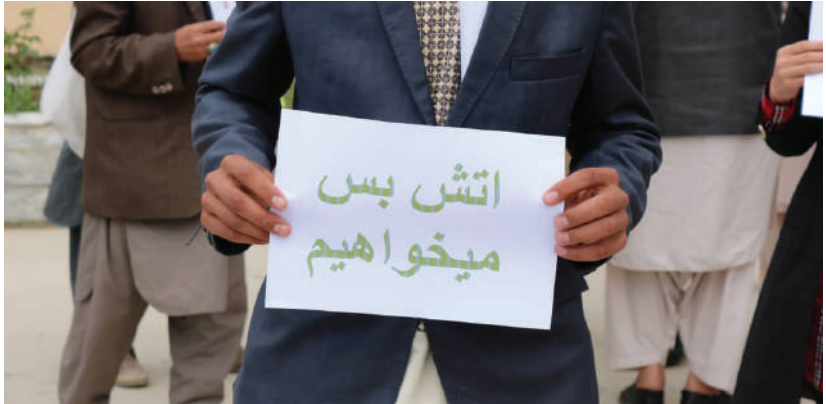
## کارزار ملی ضد جنگ؛

# تقلایې برای برقراری صلح



عبدالاحمد حسینی

**گروه طالبان در جریان ماه‌های اخیر دور تازه‌ای از حملات را آغاز کرده است. جنگ‌جویان این گروه عملاً در ۳۴ ولایت کشور با نیروهای امنیتی در نبرد هستند. هر چند نهادهای حقوق بشری از طرف‌های درگیر جنگ به ویژه گروه طالبان خواسته‌اند که حملات‌شان را کاهش دهند و برای برقراری صلح تلاش کنند، این گروه اما به این خواست‌ها واقعی نگذاشته و حملاتش را تشدید کرده است. این امر سبب نگرانی شهروندان شده است. آنان با راه‌اندازی کارزار «جنگ را در افغانستان بس کنید»، از طرف‌های درگیر می‌خواهند که به صدای صلح‌خواهانه مردم لیبیک گویند و دست از جنگ بکشند.**



هستند. هر چند نهادهای حقوق بشری از طرف‌های درگیر جنگ به ویژه گروه طالبان خواسته‌اند که حملات‌شان را کاهش دهند و برای برقراری صلح تلاش کنند، این گروه اما به این خواست‌ها واقعی نگذاشته و حملاتش را تشدید کرده است. این امر سبب نگرانی شهروندان شده است. آنان با راه‌اندازی کارزار «جنگ را در افغانستان بس کنید»، از طرف‌های درگیر می‌خواهند که به صدای صلح‌خواهانه مردم لیبیک گویند و دست از جنگ بکشند. نصیراحمد نویدی، یک تن از کاربران شبکه‌های اجتماعی، با پیوستن به این کارزار از حکومت و طالبان خواسته است که به ندای ملت لیبیک گویند و جنگ را «فورا» متوقف کنند. او تصریح کرد که گر چند مذاکرات بین‌الافغانی صلح به بن‌بست خورده، اما طرف‌های مذاکره‌کننده باید به شکل جدی و صادقانه این روند را آغاز کنند. او از هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان خواسته است که پیش از خروج مکمل نیروهای خارجی، بالای «پلت‌فورم» واضح برای آینده کشور به توافق برسند. مدثر اسلامی، شهروندی دیگر، گفته است که جنگ جاری در کشور سبب بدبختی شهروندان شده است. او از طرف‌های درگیر جنگ به ویژه گروه طالبان خواسته است که هر چه زودتر به جنگ خاتمه دهند تا مادری در سوگ فرزندانش ننشیند و خواهی در دست دادن برادرش را نکشد. به همین ترتیب امید

هم‌زمان با شروع خروج نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان موج جدیدی از حملات‌شان را آغاز کردند. طبق معلومات نهادهای امنیتی، حملات طالبان تقریباً در همه ولایت گسترش یافته و آن‌ها عملاً با نیروهای امنیتی درگیر جنگ‌اند. این گروه هر چند کدام عملیات را برای سقوط ولایت راه‌اندازی نکرده، اما پیش‌تر به سقوط ولسوالی‌ها روی آورده است. براساس خبرهای نشر شده، تنها در ده روز گذشته دست‌کم پانزده ولسوالی به دست جنگ‌جویان طالبان سقوط کرده است. این موج حملات نگرانی شهروندان راه به همراه داشته است، تا جایی که شماری از آنان با راه‌اندازی کارزار ملی ضد جنگ، خواهان ختم خشونت و درگیری در کشور شده‌اند. شهروندان کشور ضمن این‌که خواستار توقف جنگ هستند، از طرف‌های درگیر خواسته‌اند که سلاح‌شان را به زمین بگذارند و برای برقراری صلح تلاش و مذاکرات را «فورا» آغاز کنند. این شهروندان در حالی خواستار ازسرگیری مذاکرات صلح شده‌اند که این روند پیش‌تر به بن‌بست خورده است. هیأت مذاکره‌کننده دولت در حال حاضر در دوحه حضور دارد تا مذاکرات را آغاز کند، اما هیأت طالبان تاکنون چراغ سبز نشان داده نشده است.

گروه طالبان در جریان ماه‌های اخیر دور تازه‌ای از حملات را آغاز کرده است. جنگ‌جویان این گروه عملاً در ۳۴ ولایت کشور با نیروهای امنیتی در نبرد

فصلی، در صفحه توئیترش با اشاره به جنگ اسرائیل و فلسطین گفته است که آنان سه روز جنگ کردند و سرانجام به دلیل بدبختی جنگ آتش‌بس کردند. او گفته است: «جنگ بدبختی است. نتیجه نهایی جنگ نابودی وطن است. ملت‌های خردمند برای جلوگیری از جنگ راه حل می‌یابند» او افزوده است که دیگر دعوا و جنگ بس است. او خطاب به طالبان گفته است که نگذارید دیگر وطن ویران شود.

راه‌اندازی این کارزار با استقبال چهره‌های سیاسی و علمی کشور مواجه شده است. محمدمامین احمدی، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت، گفته است نشانه‌ها حاکی از آن است که جهان، مردم افغانستان را یک بار دیگر با تمامی رنج‌هایش فراموش می‌کند. او افزوده است که مسوولیت بخشی از این فراموشی به خود مردم افغانستان برمی‌گردد. به گفته احمدی، اگر شهروندان کشور در راستای عدالت، برابری و صلح پایدار متحد و منسجم نشوند، نیروی موثر در سیاست منطقه و جهان به حساب نمی‌آیند. او توضیح داده است که در آن صورت اولویت جهان در مورد افغانستان در حد مبارزه با داعش و القاعده تنزل خواهد کرد.

این عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت افزوده است که سازمان‌دهی و بسیج اجتماعی تمامی گروه‌های ذی‌نفع اجتماعی برای مبارزه با جنگ، خشونت، تبعیض و انحصارگرایی لازم است. او در ادامه تصریح کرده است: «این آرمان‌ها می‌تواند ما را متحد و قدرت‌مند بسازد. اگر بر محور این ارزش‌ها متحد شویم و تکنیک‌های مبارزه و مقاومت مبتنی بر عدم خشونت را بیاموزیم، دیگر هیچ کسی نخواهد توانست از راه جنگ بر سرنوش ما مسلط شود و نسل دانش‌آموخته و توانمند ما در آتش نخواهد سوخت؛ آتشی که در نتیجه نفرت و جهل مذهبی و قومی، هر روز بخشی از پیکر ما را طعمه خود می‌کند.»

کارزار ملی ضد جنگ در حالی راه‌اندازی شده است که هم اکنون جنگ در بیش‌تر ولایت‌ها جریان دارد. براساس معلومات منتشر شده، گروه طالبان در جریان ده روز گذشته ۱۶ ولسوالی را در ولایت‌های

نورستان، زابل، غزنی، ارزگان، فاریاب، کندز، بلخ، سرپل، تخار، بدخشان، بادغیس و هرات سقوط داده است. در تازه‌ترین مورد، روز یکشنبه، بیست‌وسوم جواز، خبرهایی از سقوط بازار ولسوالی علی‌آباد کندز، ولسوالی «لاش و جوین» ولایت فراه و اوبه به نشر رسید. دولت تاکنون سقوط این ولسوالی‌ها را نپذیرفته است. به تعبیر حکومت، نیروهای امنیتی از این ساحات عقب‌نشینی تاکتیکی کرده‌اند. آگاهان امور نظامی اما معتقدند که موضوع عقب‌نشینی تاکتیکی که در ادبیات نهادهای امنیتی راه یافته، با عقب‌نشینی تاکتیکی هم‌خوانی ندارد. به باور آنان، در عقب‌نشینی تاکتیکی نیروهای امنیتی، سلاح و مهمات حفظ می‌شود، اما به گفته آن‌ها، اکنون وضعیت این‌گونه نیست.

از سوی دیگر گروه طالبان با راه‌اندازی عملیات تهاجمی راه‌های مواصلاتی ولسوالی‌ها را مسدود کرده و نیروهای امنیتی و مردم محل را در تنگنای اقتصادی قرار داده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر با ابراز نگرانی از این عملکرد طالبان، گفته است که با محاصره اقتصادی و بسته شدن راه‌های مواصلاتی ولسوالی‌ها توسط گروه طالبان، مردم نمی‌توانند به مواد غذایی و خدمات اساسی دسترسی داشته باشند. این کمیسیون هشدار داده است که وضعیت نگران‌کننده است و باید پیش از این‌که بحران و فاجعه انسانی جدی و فراگیر رخ دهد، پایان یابد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افزوده است که استفاده از محاصره اقتصادی در جنگ‌ها، جنایت است. به باور این کمیسیون، استفاده از این شیوه جنگی، حق حیات را سلب می‌کند و گشت‌وگذار و امکان بهره‌مند شدن مردم از حقوق اقتصادی‌شان را از آنان می‌گیرد.

از جانب دیگر شهروندان کشور خواستار ازسرگیری مذاکرات صلح شده‌اند. این در حالی است که مذاکرات صلح به بن‌بست خورده و از چندی به این سو هیچ نشست میان هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان برگزار نشده است. هر چند قرار بود یک نشست مهم در مورد صلح افغانستان بعد از عید فطر در استانبول ترکیه برگزار شود، این نشست اما به دلیل آماده‌گی نداشتن طالبان تاکنون برگزار نشده است. هنوز هم معلوم نیست که این نشست برگزار می‌شود یا خیر. از سویی هم هیأت مذاکره‌کننده دولت نزدیک به دو هفته است که در قطر به سر می‌برد، اما تاکنون مذاکره آغاز نشده است. هر چند منابع می‌گویند که هماهنگی برای آغاز مذاکرات کلید خورده، اما طالبان هنوز آماده‌گی‌شان را برای ازسرگیری این روند اعلام نکرده‌اند.

## پیامدهای اجتماعی و سیاسی کشتار هزاره‌ها

با این وجود، لازم است که دولت و مسوولان امور امنیتی، نسبت به تأمین امنیت کل کشور و تأمین امنیت گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر که به طور خاص مورد حملات هدفمند قرار می‌گیرند، جدی‌تر عمل کرده و تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛ چون از هر زاویه‌ای که نگاه کنیم، مسوولیت تأمین امنیت مردم متوجه دولت بوده و از این رو، دولت در قبال وضعیت جاری، مسوول است.

در صورتی که دولت در این خصوص کوتاهی کند و جلو این حملات مرگبار را نگیرد، بین دولت و مردم در کل و جمعیت قومی که همیشه با مشارکت سیاسی و فرهنگی‌شان، پایه‌های نظام جمهوری را تقویت کرده و حامی نظام بوده‌اند، جدایی ایجاد می‌شود و این به نفع نظام و دولت نیست؛ چون به قدر کافی دولت در معرض بی‌ثباتی قرار دارد. از سوی دیگر، بحران مشروعیت نیز یک چالش جدی است و هر نوع بی‌توجهی دولت نسبت به حقوق مردم، مسأله بحران مشروعیت را جدی‌تر ساخته و اعتبار حقوقی و اخلاقی دولت بیش‌تر در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد. در شرایطی که دولت با موجی از تهدیدهای جنگ‌افروزانه مواجه است، ادامه چنین حملات، تنش‌های اجتماعی را پر دامنه خواهد ساخت و از وضعیت پیش‌آمده، تنها دشمنان کشور بیش‌ترین نفع را خواهند برد، نه مردم و نه دولت. با وجود این، شرایط اجتماعی موجود نیازمند هم‌گرایی است و این‌که همه در برابر دشمنان این خاک، صف واحد تشکیل دهند؛ اما بی‌توجهی دولت در برابر این جنایت‌ها، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌سازد.

تشکیل می‌دهند و طی این دو دهه در زیر پرچم دولت جمهوری اسلامی افغانستان همواره صدای صلح‌خواهی را در کنار سایر شهروندان بلند کرده‌اند و از سوی دیگر، در تقویت پایه‌های فرهنگی نظام جمهوری و مشارکت سیاسی درون نظام نقش اساسی داشته‌اند، اکنون با موجی از شک و تردیدها روبه‌رو شده‌اند. در شرایطی که اکثریت هزاره‌ها نسبت به عادلانه بودن عملکرد ساختارها و نهادهای ملی، توزیع قدرت و فرصت‌ها، شاکی‌اند و نسبت به اعمال و رفتار حکومت از جمله بی‌توجهی نسبت به حقوق و مطالبات‌شان معترض به نظر می‌رسند، اکنون که مورد حملات هدفمند تروریستی قرار می‌گیرند و عملاً موجودیت و هستی فیزیکی‌شان با تهدید مواجه شده، بی‌باوری‌ها در بین این مردم گسترش می‌یابد و این احساس که جمعیت هزاره‌ها از چشم دولت افتاده است، تقویت می‌شود. نتیجه این وضعیت، هرچه نباشد، حس ناامیدی را نسبت به دولت و مراجع مسوول که در چارچوب قانون مسوولیت حراست و حفاظت از جان مردم را دارند، بیش‌تر می‌سازد و در یک کلام مردم به صورت عموم و جمعیت هزاره‌ها به صورت خاص، به تنگ می‌آیند. وقتی گروهی از مردم و بخشی از جمعیت کشور احساس کنند که در یک ناگزیری تمام قرار گرفته‌اند، غلبان احساس و رفتارهای واکنشی، جای واکنش‌های هنجاری و قانونمند را خواهد گرفت و این امر نه به نفع هزاره‌ها خواهد بود و نه به نفع کشور.

اصلی تداوم جنگ و ناامنی، حضور نیروهای خارجی است؛ در حالی که پس از آغاز خروج نیروهای خارجی و اینکه امریکایی‌ها تصمیم گرفتند روند خروج سربازان‌شان از افغانستان را آغاز کنند، ماشین جنگ با سرعت بیش‌تر از قبل فعال شد و اکنون آتش جنگ شعله‌ورتر از گذشته زبانه می‌کشد. در ادامه این وضعیت جنگی و خونین، مسأله دیگری که قابل تامل و توجه است و از سوی دیگر نگرانی‌ها را پر دامنه‌تر ساخته است، گسترش حملات هدفمند بر جمعیت قومی هزاره‌ها است. پس از حمله اخیر بر مکتب سیدالشهداء واقع در دشت برچی، این دیدگاه تقویت شد که هزاره‌ها در معرض نسل‌کشی قرار گرفته‌اند. حملات دو روز قبل بر موترهای مسافربری که حامل شهروندان هزاره بود، بار دیگر این دیدگاه را تقویت کرد. اکنون چه بپذیریم یا نپذیریم که این سلسله کشتارها مصداق‌هایی از نسل‌کشی شمرده می‌شود، واقعیت این است که این نوع حملات مرتبط به میدان جنگ نیست. تمامی کسانی که کشته شدند و کشته می‌شوند، اول افراد غیرنظامی‌اند و دوم در ساحات و محلات غیرنظامی مورد هدف قرار می‌گیرند و سوم این‌که همه متعلق به تبار و مذهب خاص هستند. حالا ممکن است برداشته‌ها نسبت به این حملات متفاوت باشد، اما خود هزاره‌ها که در معرض این حذف فیزیکی قرار دارند، این حمله‌ها را در حد نسل‌کشی درک می‌کنند.

از آن‌جایی که هزاره‌ها بخشی از جمعیت کشور را

◆ آصف مهاجر

تردیدی نیست که جنگ در افغانستان یک مسأله عمومی است. از شروع جنگ‌های داخلی در کشور تا اکنون، همه به نحوی در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند و قربانی می‌دهند. جنگ و ناامنی در کشور، یک تهدید سرزمینی است؛ چون فضای زیست عمومی را نامصون کرده و کلیه برنامه‌های عمرانی را با چالش مواجه ساخته است. در اوج این جنگ و آشوب، اکنون افغانستان فاقد یک چشم‌انداز است که وضعیت مطلوب را در فراز آینده نوید دهد. در شرایط آشوب و متأثر از جنگ و خون‌ریزی، نه تنها برای آینده مطلوب بسترسازی‌های لازم صورت نمی‌گیرد، بلکه فرصت‌های عینی در محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از دست می‌رود. از زمانی که افغانستان در محور توجه جامعه جهانی قرار گرفت، دو دهه می‌گذرد و در این دوره منابع گسترده مالی برای حمایت از افغانستان رقم خورد و شاهد فرصت‌های گسترده‌ای بودیم که سال‌ها پیش حتا در خیال کسی نمی‌گنجید؛ اما تداوم خشونت‌ها و جنگ‌ها سبب شد که افغانستان در یک دور باطل بچرخد و بخش اعظم از امکانات در مسیر جنگ به مصرف برسد، بی‌آن‌که به نتیجه ملموس و قابل دفاع دست یافته باشیم.

تا اکنون سناریوی جنگ در افغانستان توسط عاملان اصلی آن به گونه‌ای توجیه می‌شد که گویا دلیل



## رییس جمهور از وزیر جناح سپیدار ناراضی است؟



حسب بهش

معاونت نظارت و حراست از قانون اداره امور ریاست جمهوری به تازه‌گی یک گزارش را به بورد عالی ریاست عمومی این اداره ارایه کرد. این گزارش به دستور محمدآشرف غنی، رییس جمهور، تهیه شده است و در آن، اعضای

هیأت وظیفه گرفته‌اند که عملکرد وزارت کار و امور اجتماعی در سال ۱۳۹۹ و آغاز سال ۱۴۰۰ را ارزیابی کنند. گزارش از سوی بورد عمومی اداره امور تأیید شده و در اختیار مسوولان این وزارت نیز قرار گرفته است. در نتیجه گزارش، به تفری‌های غیرقانونی، به اعلان نرفتن برخی از بست‌ها، ایجاد واحدهای موازی، انفکاک جمعی برخی از کارمندان، امضای قرارداد با افراد ریزرف به جای کامیابان، اجرای هم‌زمان معاشات پروژه‌های برای کارمندان رسمی، مصرف نشدن بودجه پروژه کودکان یتیم و آسیب‌دیده، نبود دیتابیس برای کودکان، تهیه غذاهای بی‌کیفیت و غیرصحیح برای پرورشگاه‌ها، پوشش نیافتن کودکان کوچی، حیف‌ومیل پول پروژه‌ها و دیگر مسایل مرتبط اشاره شده است. پس از بررسی‌ها و در میان پیشنهادهای هیأت به رییس جمهور، از عزل برخی از رییس‌ان، معرفی شماری از افراد به نهادهای عدلی و قضایی، وضاحت‌دهی وزیر و حتا تأخیر معاش او نیز یاد شده است. هرچند بورد عمومی اداره امور با پیشنهادها موافقت کرده، اما دیدگاه نهایی رییس جمهور روشن نشده است. وزارت کار و امور اجتماعی در مورد یافته‌های اداره امور حاضر به ارایه معلومات نشد. گفتنی است که ارگ پیش‌تر در نتیجه یکی از این گزارش‌ها، تصمیم به عزل وزیر مالیه گرفته بود.

اداره امور ریاست جمهوری گزارش فیصله بورد عالی ریاست عمومی این اداره را در بیست‌وهفتم ثور ۱۴۰۰ با ارگ ریاست جمهوری در میان گذاشت. این گزارش توسط یک گروه فنی ریاست نظارت و ارزیابی این نهاد تهیه شده است. گزارش ارایه شده در هفت بخش «منابع بشری و تشکیل»، «توزیع جواز به اتباع خارجی»، «نظارت و ارزیابی»، «مالی و تدارکاتی»، «آموزشگاه و پرورشگاه‌ها»، «توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای» و «تأمینات اجتماعی» جمع‌بندی شده است. هرچند تصمیم نهایی ریاست جمهوری در این گزارش واضح نیست و مسوولان نیز در مورد آن چیزی نگفته‌اند، اما در متن، کاستی‌های درستی در وزارت کار و امور اجتماعی و پیشنهادهای هیأت تذکر یافته است. این گزارش بحث‌های پیرامون تصمیم‌گیری در مورد آینده کرسی وزارت را بیش‌تر ساخته است؛ زیرا پیش از این ارگ در نتیجه یکی از این گزارش‌ها، تصمیم گرفت که عبدالهادی ارغندیوال، وزیر پیشین مالیه را عزل کند.

## از مقرر غیرقانونی تا ناتوانی در نهایی کردن تشکیل سال ۱۴۰۰ مالی

براساس تحقیق این هیأت، ۱۰۰ کارمند رسمی و ۱۹ کارمند قراردادی وزارت کار و امور اجتماعی بدون پشت سر گذاشتن روند رقابت آزاد، استخدام شده‌اند. هیأت سفارش داده است که در جریان ۱۰ روز، رییس منابع بشری این وزارت و برخی دیگر از افراد که در این روند غیرقانونی دست داشته‌اند، منفک و در ادامه به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند. این هیأت پیشنهاد کرده است که بست‌های متذکره در هماهنگی با کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی برای استخدام افراد شایسته، به اعلان برود. هم‌چنان در این گزارش به تفری خلاف مقرر ۸۳۴ کارمند بالمقطع اشاره شده و پیشنهاد شده است که قرارداد همه این افراد پس از منظوری گزارش هیأت، لغو شود. هم‌چنان گفته شده است که همه بست‌های خالی رسمی به اعلان برود و «در صورت نیاز به محافظان در هر بخش وزارت»، وزارت امور داخله متناسب به مسوولیت قانونی‌اش اقدام کند. در ادامه به تخصیص ۱۵۲ سیت سوپراسکیل به بست‌های «غیرمسلمی» و «غیرتخصصی» اشاره شده است که به باور هیأت، خلاف طرزالعمل است. هم‌چنان در این گزارش به خالی ماندن ۵۴۵ بست و به اعلان نرفتن آن تأکید شده است. در گزارش به بحث واحدهای منابع بشری، مالی و حسابداری، تدارکات و نظارت و ارزیابی نیز اشاره شده است که در کنار تشکیل رسمی، برای پروژه‌های انکشافی ایجاد شده است. براساس تحقیق این هیأت، هشت بست کلیدی وزارت کار و امور اجتماعی

در حال حاضر از سوی واری‌کننده‌گان اداره می‌شود. این هیأت گفته است که باید این بست‌ها به اعلان برود، وزارت در آینده از چنین استخدام‌ها اجتناب ورزد و رییس جمهور نیز مطابق مصوبه کابینه، در این مورد هدایت دهد. در گزارش به سرپرستی سه سال یک فرد در بست ریاست محافظت شبکه کودکان اشاره شده و گفته شده است که رییس این بخش به دلیل فساد، از سمتش برکنار شود و این بست «هرچه زودتر» به اعلان برود. هیأت اداره امور گفته است که در یک مورد، ۳۳ کارمند قراردادی برنامه ملی توسعه مهارت‌ها (NSDP) از کار منفک شده‌اند یا هم قراردادشان تمدید نشده است. این نهاد گفته است که باید بورد شکایات کمیسیون اصلاحات اداری این مورد را بررسی و نتیجه آن را با ریاست جمهوری شریک کند. هم‌چنان گفته شده است که رییس این برنامه نیز خلاف لایحه ان‌تی‌ای، معاش بلند دریافت کرده است و باید پول اضافی خلاف لایحه از وی گرفته شود. در کنار این، هیأت گفته است که به جای شماری از کارمندان کامیاب این پروژه، افراد ریزرف قرارداد امضا کرده‌اند. اعضای این هیأت تصریح کرده‌اند که رییس این برنامه به دلیل تقرر بدون رقابت آزاد، سوءاستفاده از صلاحیت‌ها و استفاده از امکانات مالی برای منافع شخصی‌اش، برکنار و از همه کارمندان این برنامه «امتحان ویژه» گرفته شود.

در بخش دیگر این گزارش آمده است که با وجود حاضری الکترونیکی، این حاضری از یک سال پیش غیرفعال بوده است. هم‌چنان تصریح یافته است که در مواردی، شماری از کارمندان از یک روز تا سه ماه در حاضری اضافه‌کاری وزارت امضا نکرده‌اند. به گفته هیأت، مسوولان وزارت کار و امور اجتماعی هنوز تشکیل سال مالی ۱۴۰۰ خود را ترتیب نکرده‌اند. اعضای هیأت پیشنهاد کرده‌اند که تشکیل این وزارت هرچه زودتر نهایی شود و وزارت مالیه نیز در نیمه دوم سال مالی، معاش وزیر، معاونان، رییس‌ان و آمران آن را تا زمان نهایی کردن تشکیل، به تأخیر بیندازد. در این گزارش به تنقیص و تنزیل برخی از بست‌های اساسی در سال ۱۳۹۹ اشاره و گفته شده که در تشکیل بخش‌های حمایتی این وزارت ۳۰ درصد تنزیل و تنقیص باید. هم‌چنان به عدم رعایت ملاحظات کمیسیون اصلاحات اداری در این تشکیل اشاره و گفته شده که این وزارت در جریان ده روز در این مورد به ریاست جمهوری وضاحت دهد. در این گزارش به نیاز ادغام و بازبینی تشکیل ریاست‌های معینت این وزارت اشاره شده و گفته شده است که این کار در چارچوب آمريت‌ها تنظیم شود.

## انحصاری کردن دریافت بیمه صحتی کارمندان خارجی؛ وزیر باید وضاحت دهد

در دیگر بخش‌های این گزارش بر عملکردهای خلاف مقرر مسوولان در بیمه صحتی اتباع خارجی اشاره شده است؛ زیرا به گفته هیأت، وزیر کار و امور اجتماعی خلاف قوانین با شفاخانه خصوصی بلاسم تفاهم‌نامه امضا کرده است که براساس آن، همه اتباع خارجی مکلف‌اند تنها از این شفاخانه بیمه صحتی دریافت کنند. از دو شفاخانه پسر و سیتی نیز به عنوان شفاخانه‌های دخیل در این بخش نام برده شده است. هیأت پیشنهاد کرده است که وزیر کار و امور اجتماعی در این مورد به محمدآشرف غنی، رییس جمهور کشور، وضاحت دهد. در ادامه گزارش به ناقص بودن اسناد جواز کار اتباع خارجی در سال ۱۳۹۹ اشاره شده و پیشنهاد شده است که با توجه به «برخورد غیرمسلمی» در این بخش و هم‌چنان تخلف در بخش تصدیق صحتی، رییس این بخش برکنار و فرد دیگری از طریق رقابت آزاد جایگزین او شود.

در این گزارش به نبود طرزالعمل برای نظارت از کارمندان خارجی در ریاست توزیع جواز کار به اتباع خارجی اشاره شده و گفته شده است که این طرزالعمل در جریان دو ماه تدوین و به ریاست جمهوری فرستاده شود. در گزارش گفته شده که سیستم الکترونیکی بخش جواز کار اتباع خارجی توانایی ارایه گزارش‌های مهم را ندارد و پیشنهاد شده که این سیستم در هماهنگی با اداره احصایی و معلومات و وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی ارزیابی و اصلاح شود.

براساس تحقیق این هیأت، وزارت کار و امور اجتماعی در بخش نظارت و ارزیابی تا حال راهکار خاصی ندارد. هم‌چنان از واحدهای موازی در این بخش یاد شده است. هیأت اداره امور هم‌چنان گفته است که ریاست

نظارت و ارزیابی وزارت کار و امور اجتماعی از تطبیق پروژه‌های توسعه‌ای نظارت لازم نکرده است. عدم نظارت از تفاهم‌نامه‌ها با دیگر موسسه‌ها و نهادها، دیگر موردی است که از آن یاد شده است. هیأت پیشنهاد کرده است که با ایجاد یک کمیته داخلی در یک هفته، ارزیابی صورت گیرد و رییس جمهور نیز هر گونه که لازم می‌بیند، در مورد معین این وزارت به دلیل غفلت کاری هدایت دهد.

بخش دیگر این گزارش، بحث تدارکاتی و مالی است. به گفته هیأت، در سال مالی ۱۳۹۹ حدود ۳۸ میلیون افغانی جنس به گونه پرچون خریداری شده است. هیأت گفته که این نقض طرزالعمل است و افراد دخیل در آن باید زیر پی‌گرد عدلی قرار گیرند. بخش دیگر نیز تطبیق نشدن روند تثبیت نیازهای تدارکاتی این وزارت است. براساس پیشنهاد هیأت، رییس تدارکات وزارت کار و امور اجتماعی به دلیل عمل نکردن مطابق قانون و فراهم کردن زمینه برای سوءاستفاده، از وظیفه برکنار و این بست تا یک ماه دیگر به اعلان برود. هم‌چنان گفته شده است که این وزارت از جریان پنج سال گذشته بیش از ۳۵ میلیون افغانی قرضدار است که باید به دلیل غفلت‌ها، افراد دخیل در آن به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند.

در این گزارش آمده است که کارمندان خدمتی مرکز و واحدهای دوم وزارت در خرید لباس‌های زمستانی و بهاری برای کودکان پرورشگاه‌ها کوتاهی کرده‌اند. هیأت پیشنهاد کرده است که وزارت مالیه در صورت نبود شواهد موثق، از تعدیل در بودجه این وزارت پیش از ارزیابی خودداری کند.

بحث دیگر این گزارش، گرفتن ۷.۳ میلیون افغانی از برنامه ملی توسعه مهارت‌ها برای تجهیز اتاق کنفرانس مقام وزارت است. هیأت گفته است که این کار باید از لحاظ کمی و کیفی بررسی و مطابق قانون در مورد آن اجراءات شود. به گفته هیأت، در جریان سال مالی ۱۳۹۹ از معتمد نقدی برنامه ملی توسعه مهارت‌ها حدود ۶۷۰ هزار افغانی پول نقد گرفته شده و این پول برگشت نخورده است. مطابق سفارش هیأت، این پول که از سوی رییس این برنامه گرفته شده است، باید تا یک ماه برگردانده شود و او ۱۲ درصد جریمه را به دلیل پرداخت نکردن به موقع آن بپردازد.

از اجرای معاشات پروژه‌های برای کارمندان رسمی مقام وزارت یاد شده و گفته شده است که این پول در سال ۱۴۰۰ قطع شود. بحث دیگر نیز اجرای معاش برای کارمندان بالمقطع بدون موافقت وزارت مالیه است. هیأت اداره امور این مورد را «نقض قانون» خوانده و گفته است که افراد دخیل در آن به نهادهای عدلی و قضایی

معرفی شوند.

منظوری پنج هزار دالر امریکایی از سوی وزیر کار و امور اجتماعی برای رییس برنامه ملی توسعه مهارت‌ها به هدف مصرف شخصی نیز از موارد برجسته تحقیق هیأت بوده است. این هیأت پیشنهاد کرده است که پول مورد نظر باید تا یک ماه از رییس این برنامه گرفته شود و رییس جمهور در مورد مقام وزارت به دلیل منظوری این حکم خلاف حکم ریاست جمهوری، موارد لازم را هدایت دهد.

پرداخت بودجه ۶۴ میلیون اضافه از سوی وزارت مالیه برای وزارت کار و امور اجتماعی، بحثی دیگر است. هیأت گفته است که این کار بدون پروپوزل و پلان انجام شده است که باید برگشت بخورد. بدین ترتیب پیشنهاد شده است که رییس جمهور هر گونه که مناسب می‌بیند، در مورد مدیریت ناسالم بودجه از سوی مسوولان دو نهاد، هدایت دهد.

مصرف نشدن بودجه پروژه کودکان یتیم و آسیب‌دیده به منظور اهداف مشخص، نبود دیتابیس کودکان، تهیه غذای بی‌کیفیت و غیرصحیح برای پرورشگاه‌های مرکز، بی‌سروشتی سنین ۱۸ سال به بالا در پرورشگاه‌ها، مشکلات قانونی میان وزارت معارف و وزارت کار امور اجتماعی در بخش تعلیمات دوره‌های پیش از کودستان و مکتب، عملی نشدن هدایت رییس جمهور در مورد ارایه طرح ایجاد مرکز حمایتی کودکان و پوشش نیافتن کودکان کوچی‌ها در کودستان‌ها از دیگر موارد گزارش بوده است که هیأت به آن پرداخته است. هیأت در این مورد خواستار ارایه وضاحت به ارگ ریاست جمهوری و اقدام‌های لازم شده است.

در ادامه بحث، غیرمفید بودن کمیسیون نظارت و تصدیق‌دهی وزارت، حیف‌ومیل ۱۰ میلیون دالر پول تفاهم‌نامه با کوریای جنوبی و عدم پیش‌رفت در آن، غیرمفید بودن برنامه ملی توسعه مهارت‌ها، عدم پیش‌رفت در ارسال کارگران به خارج از کشور و ضایع کردن کمک‌های بین‌المللی، نبود پالیسی مصونیت اجتماعی و استفاده نشدن از کُد جبران خسارت کارمندان دولتی نیز مطرح شده است. در نتیجه هیأت پیشنهاد کرده است که مسوول مرکز آموزشی افغان-کوریای از سمتش برکنار و به دلیل حیف‌ومیل کمک این کشور، به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شود. بحث ادامه کار برنامه ملی توسعه مهارت‌ها نیز به تصمیم ریاست جمهوری منوط خوانده شده است.

گفتنی است که بورد عالی ریاست عمومی اداره امور همه پیشنهادهای هیأت را تأیید و ریاست جمهوری نیز آن را ملاحظه کرده است. با این حال تصمیم نهایی محمدآشرف غنی در این مورد روشن نشده است. مسوولان وزارت کار و امور اجتماعی نیز در این مورد صحبت نکردند. ارگ پیش از این با نشر یکی از این گزارش‌ها، تصمیم به عزل وزیر مالیه گرفت.

گفتنی است که در حال حاضر بشیراحمد تهنیج به عنوان وزیر کار و امور اجتماعی کار می‌کند. او از جناح سپیدار به مجلس رفت و رای تأیید گرفت.



د افغانستان اسلامي جمهوریت  
د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره  
دشاروالیو معینیت  
ولسی ترون پروگرام

Islamic Republic of Afghanistan  
Independent Directorate of Local Governance  
Deputy Ministry of Municipalities  
Citizen's Charter National Priority Program  
Procurement Management Unit

## اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان پروژه: پروژه خریداری وسایل دفتر برای برنامه ملی میثاق شهروندی

شماره دعوت به داوطلبی: AF-IDLG-223960-GO-RFB

برنامه ملی میثاق شهروندی معینیت شاروالی‌ها اداره مستقل ارگان‌های محلی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید، تا در پروسه داوطلبی خریداری وسایل دفتر اشتراک نموده و کاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه مل میثاق شهروندی معینیت شاروالی‌ها و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی و اکبر به دست آورده، آفر‌های خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۲۲ سرطان ۱۴۰۰ ارائه نمایند.

تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۱۳۰,۰۰۰ یک صد و سی هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۲۲ سرطان ۱۴۰۰ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی و اشتغالزایی ریاست مستقل ارگان‌های محلی معینیت شاروالی‌ها تدویر می‌گردد.

نوت: (۱) پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمی‌شود.

ایمیل آدرس: a.wardak@ccnpp.org, t.safi@ccnpp.org  
n.wahedi@ccnpp.org procurement.idlg@ccnpp.org

شماره تلیفون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲



صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسوول: مجیب مهرداد  
سرمدیر: خلیل اسیر  
دیر گزارش‌ها: حسیب بهش  
دیر بخش خبر: علی‌شاه حقمیل  
دیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای  
دیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad  
mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



## واکنش چین به «گروه هفت» برای مقابله با افزایش نفوذ جهانی این کشور



چین به رهبران کشورهای «گروه هفت» هشدار داده دیگر زمان آن که گروه کوچکی از کشورها درباره سرنوشت جهان تصمیم‌گیری کنند، گذشته است.

این اظهارات توسط سخنگوی سفارت چین در لندن پس از آن بیان شده که کشورهای «گروه هفت» در تلاش‌اند موضعی واحد در مورد چین اتخاذ کنند.

به گزارش بی‌بی‌سی، سخنگوی سفارت چین در لندن گفته است: «روزهایی که تصمیمات جهانی توسط تعداد کمی از کشورها گرفته می‌شود، گذشته است. ما همیشه معتقدیم که کشورها، بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، فقیر یا ثروتمند با هم برابر هستند و مسایل جهانی باید از طریق مشاوره با همه کشورها انجام شود.»

رهبران «گروه هفت» که در حال حاضر در نشستی در کورنوال انگلیس شرکت کرده‌اند، در صدد پاسخی منسجم به نفوذ رو به رشد چین هستند.

خبرنگار بی‌بی‌سی در نشست «گروه هفت» گفته است که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در تلاش است تا دنیای بعد از همه‌گیری کووید-۱۹ را به عنوان کشمکش بین دموکراسی‌ها و حکومت‌های خودکامه ترسیم کند، اما به نظر می‌رسد که هنوز توافقی در مورد شریک و یا رقیب بودن و یا تهدید امنیتی چین در بین کشورهای «گروه هفت» وجود ندارد.

ظهور مجدد چین به عنوان یک قدرت جهانی پیش‌رو، در کنار سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ که به جنگ سرد پایان داد، یکی از مهم‌ترین وقایع ژئوپولیتیک اخیر است.

روز گذشته رهبران «گروه هفت» موافقت کردند تا برنامه گسترده‌ای را برای سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه آغاز کنند.

رئیس‌جمهور آمریکا گفته خواستار آن است تا ابتکار عمل زیرساختی جدید جهانی این کشور جایگزین باکیفیت بالاتر برای برنامه چین باشد.

چین میلیاردها دلار در سراسر جهان در زمینه عملی کردن «ابتکار یک کمربند، یک راه» سرمایه‌گذاری کرده است. طرح یک کمربند، یک راه شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین که به طرح «راه ابریشم جدید» هم معروف است، می‌خواهد دو سوم جمعیت جهان در هفتاد کشور را از طریق شبکه‌ای از خطوط زمینی (کمربند) و مسیرهای دریایی (جاده) به هم متصل کند.

اما منتقدان می‌گویند که این طرح چین کشورهای فقیر را با بدهی‌هایی که قادر به بازپرداخت آن نیستند، روبه‌رو می‌کند.

دولت بایدن هم‌چنین چین را متهم می‌کند که با استفاده از نیروی کار اجباری در ایالت سنکیانگ، مانع ایجاد رقابت اقتصادی منصفانه می‌شود.

این اولین نشست رهبران «گروه هفت» از زمان شیوع کرونا در جهان است.

رهبران آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کانادا و جاپان به مدت سه روز در کورنوال، در این نشست حضور دارند.

## یک فرد ناشناس با پرداخت ۲۸ میلیون دلار با جف بیزوس به فضا می‌رود

می‌توانند مناظر زمین و فضا را نظاره‌گر باشند. شرکت «بلو اوریجین» می‌گوید این پنجره‌ها بزرگ‌ترین در نوع خود هستند که تاکنون به فضا فرستاده شده‌اند.

قیمت پیشنهادی برای شرکت در این پرواز ۱۰ تا ۱۲ دقیقه‌ای روز شنبه در مزایده از ۴.۸ میلیون دلار آغاز شد و در کم‌تر از دو دقیقه به ۱۰ میلیون دلار رسید.

این قیمت، یک دقیقه و ۱۰ ثانیه بعد از آن دو برابر شد و به ۲۰ میلیون دلار رسید و سرانجام پیشنهاد ۲۸ میلیون دلاری فرد ناشناس برنده، شش دقیقه پس از شروع دور نهایی حراج، پذیرفته شد.

برای شرکت در این حراج، ۷۶۹۹ نفر از ۱۵۹ کشور نام‌نویسی کرده بودند که به ۲۰ فرد برتر اجازه شرکت در مزایده داده شد. نام برنده این مزایده قرار است در هفته‌های آینده علنی شود.

به گزارش رادیو فردا، یک فرد ناشناس روز شنبه با پرداخت مبلغ نجومی ۲۸ میلیون دلار در یک مزایده، موفق شد در پرواز ماه آینده جف بیزوس، مؤسس شرکت آمازون، به فضا، صندلی‌ای را برای خود رزرو کند.

شرکت موشک‌سازی آقای بیزوس، به نام «بلو اوریجین» قرار است یک فضایی کوچک را به نام «نیو شپرد» روز ۲۰ جنوری در سالگرد فرود آپولو ۱۱ در ماه، به فضای پایین‌تر از مدار زمین بفرستد.

در این پرواز قرار است جف بیزوس و برادرش مارک، همراه برنده ناشناس این مزایده و یک مسافر دیگر، شرکت داشته باشند.

کپسول پروازی که قرار است از پایگاه «ون هورن» تگزاس پرتاب شود، این افراد را تا ارتفاع بیش از ۱۰۰ کیلومتری بالا خواهد برد و آن‌ها در حالی که سه دقیقه بی‌وزنی را تجربه می‌کنند، از شش پنجره بزرگ



## رئیس‌جمهور برزیل به دلیل موترسایکل سواری بدون ماسک ۱۰۰ دلار جریمه شد

ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور برزیل، روز گذشته به دلیل عدم استفاده از ماسک حدود ۱۰۰ دلار جریمه شد.

رئیس‌جمهور برزیل در صف اول هزاران نفر از هواداران خود که در شهر سائوپائولو با موترسایکل به خیابان‌ها آمده بودند، حضور داشت. ایالت سائوپائولو استفاده از ماسک را در راستای جلوگیری از شیوع بیماری همه‌گیر «کووید-۱۹» اجباری کرده است. با این حال ژائیر بولسونارو در جمع هوادارانش که اکثر آن‌ها ماسک به صورت زنده بودند، از عدم استفاده از ماسک دفاع کرد.

یوروو نیوز گزارش داده است که رئیس‌جمهور برزیل گفت که استفاده از ماسک برای افراد واکسین شده «بی‌فایده» است. این در حالی است که اکثر متخصصان به چنین ادعایی باور ندارند.

مقام‌های ایالت سائوپائولو از ماه می سال ۲۰۲۰ استفاده از ماسک را در اماکن عمومی این ایالت اجباری کرده‌اند. به گفته مسولان ایالتی ۱۲ هزار موترسایکل‌سوار روز شنبه ژائیر بولسونارو را در سائوپائولو همراهی می‌کردند.

دفتر رئیس‌جمهور برزیل تاکنون به جریمه نقدی وی واکنشی نشان نداده است.

بنا بر آمار وزارت بهداشت برزیل تاکنون کم‌تر از ۱۲ درصد جمعیت این کشور در برابر بیماری همه‌گیر «کووید-۱۹» واکسین شده‌اند. متخصصان بیماری‌های همه‌گیر در این کشور تأکید کرده‌اند که استفاده از ماسک باید تا زمانی که اکثریت جمعیت این کشور واکسین نشده‌اند، ادامه پیدا کند.

رئیس‌جمهور برزیل که گرایش راست افراطی دارد، ماه گذشته نیز به دلیل عدم استفاده از ماسک در جمع هوادارانش جریمه شده بود.

## دست‌کم ۱۶ نفر در اثر حمله موشکی در سوریه کشته شدند

دست‌کم ۱۸ نفر و شمار زخمیان را ۳۳ نفر اعلام کرده است.

گفته می‌شود یک پزشک و هم‌چنین چند نفر از کادر درمانی شفاخانه یاد شده نیز در بین قربانیان این حمله بوده‌اند.

خبرگزاری «تسنیم» به تصویرهایی اشاره کرده است که شبکه خبری «الجزیره» از حمله موشکی به بیمارستان «الشفا» منتشر کرده است.

از سوی دیگر رادیوی آلمانی‌زبان «دویچلندفونک» روز یکشنبه، ۱۳ جون، با انتشار گزارشی در همین ارتباط از کشته و زخمی شدن عده‌ای کودک در اثر این حملات خبر داده است.

خبرگزاری رسمی سوریه، «سانا»، اعلام کرده است که حمله موشکی از مناطق تحت کنترل نیروهای مخالف دولت اسد صورت گرفته است.

این در حالی است که نیروهای دموکراتیک سوریه اعلام کرده‌اند که در حملات اخیر هیچ نقش و مسوولیتی نداشته‌اند.

چند حمله موشکی واقع شد. گفته می‌شود یک منطقه مسکونی و هم‌چنین شفاخانه «الشفا» هدف این حمله موشکی بوده است.

دوپیچوله به نقل از خبرگزاری‌ها از کشته شدن دست‌کم ۱۶ نفر در جریان این حمله‌های موشکی خبر داده است. دفتر دیده‌بان حقوق بشر سوریه در لندن شمار زخمیان این حمله را اعلام نکرده است.

این در حالی است که رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران به نقل از شبکه خبری العالم و هم‌چنین فرستنده خبری الجزیره، تعداد قربانیان این حمله را

حمله موشکی در یک منطقه مسکونی و هم‌چنین یک شفاخانه در عفرین، واقع در شمال سوریه، باعث کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر شد. نیروهای دموکراتیک سوریه هرگونه نقشی در حمله به شهر کردنشین عفرین را تکذیب کرده‌اند.

کنترل شهر کردنشین عفرین برعهده نیروهای نظامی ترکیه است. در اثر حمله موشکی به عفرین واقع در شمال حلب، عده‌ای از ساکنان این شهر و از جمله تعدادی از کادر درمانی کشته و مجروح شده‌اند.

روز یکشنبه، ۱۳ جون (۲۳ جوزا) شهر عفرین هدف

